

مبارزه برضد رژیم ضد مردمی ولایت فقیه ادامه دارد!



دور تازه جنگ روانی-تبلیغاتی ارگان های امنیتی رژیم بر ضد حزب توده ایران

در صفحات ۸ تا ۱۱

نامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۹۷۶، ۸ تیر ماه ۱۳۹۴
دوره هشتم، سال بیست و نهم

قراردادهای موقت، منطقه های آزاد تجاری، و منافع زحمتکشان

در هفته های اخیر، درباره تحمیل قراردادهای ظالمانه به کارگران و استثمار فجیع آنان در زمینه کار در منطقه های "آزاد و ویژه اقتصادی" گزارش هایی در رسانه ها درج شده اند. باید یادآور شد که، یکی از برنامه های رژیم ولایت فقیه برای "آزادسازی" اقتصاد، گسترش منطقه های "آزاد و ویژه اقتصادی" است. در مورد وضعیت کاری کارگران شاغل در این منطقه ها می توان گفت حتی اندک ماده های حمایتی باقیمانده در قانون کار شامل حال آنان نمی شود، و از استثمار وحشیانه کارگران در این مناطق، سودهای هنگفتی نصیب کلان سرمایه داری حاکم می گردد. علی اکبر شعبانی فرد، مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم، به خبرگزاری ایلنا ۱۵ بهمن ماه ۹۳، گفت: "روزی خواهد رسید که حلقه اتصال مناطق آزاد ایران با اقتصاد جهانی پیوند می خورد." به عبارت دیگر، علاوه بر تولید سودهای هنگفت برای سرمایه انگلی و وطنی، با به وجود آوردن شرایط "مطلوب" برای انحصارهای امپریالیستی، رژیم در این مناطق به فکر ایجاد "حلقه اتصال" بین پایگاه طبقاتی اش با انحصارهای امپریالیستی و تضمین بقای "نظام" است. نگاهی به شرایط کار و زندگی کارگران در این منطقه ها، سببیت رژیم ولایت را در این عرصه آشکار می کند.

اکبر ترکان، دبیر شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی، به خبرگزاری ایلنا، ۲۴ شهریورماه ۹۳، گفت: "مناطق آزاد الگوی توسعه کشور هستند و اهداف آرمانی را باید در این مناطق به آزمایش بگذاریم." در رابطه با تعداد و وسعت این مناطق، ایلنا، ۲۸ تیرماه ۹۳، نوشت: "در حال حاضر در کشور نزدیک به ۶۲ منطقه آزاد و ویژه

ادامه در صفحه ۲

اوج گیری نزاع های جناحی، و تحولات سیاسی کشور

تیرماه]- همراه با تصویب ماده واحده " الزام دولت به حفظ دستاوردها و حقوق هسته های ملت ایران" از سوی مجلس اسلامی مطیع ولی فقیه در ۲ تیرماه و تأیید نمایشی شرعی بودن آن از سوی شورای نگهبان (در ۴ تیرماه) - حرکتی باهدف به توقف و یا به فروپاشی کشاندن مذاکرات هسته ای- به ویژه مذاکرات میان جمهوری اسلامی و دولت اوباما- بوده باشد. توجه برانگیز اینکه، طرح اولیه ماده واحده مجلس سه بار دستخوش تغییر شد تا، به قول علی لاریجانی، دست "رهبری" و شورای امنیت ملی را نبندد! رئیس مجلس در پاسخ به تذکر آیین نامه ای احمد توکلی در مورد چرایی تغییر محتوای طرح هسته ای مجلس، گفت: "این مسئله /موضوع هسته ای/ بحث فروش سیب زمینی نیست- موضوع مهمی است لذا باید به آن توجه کنیم!"

علی خامنه ای و جناح های قدرت در درون حاکمیت، برای مقابله با بحران های روزافزون داخلی و خارجی، در خردادماه ۱۳۹۲ حاضر به پذیرش ظهور پدیده ای به نام "اعتدال گرایی" به وسیله مهندسی انتخابات ریاست جمهوری

ادامه در صفحه ۶

با نزدیک شدن به موعد امضای قرارداد هسته ای و نیز آغاز رقابت های جناحی برای انتخابات مجلس دهم و مجلس خبرگان در اسفندماه، تحریک های مشخصی از جانب دولت اعتدال و رقیب هایش در زمینه های گوناگون دیده می شوند. در این شرایط، و با در نظر گرفتن شایعه لاعلاج بودن بیماری (سرطان پروستات) علی خامنه ای، و عمیق تر شدن بحران اقتصادی کشور، کنش و واکنش ها بین جناح ها در مجموعه رژیم ولایتی وارد مرحله ای می گردند که می توانند دگرگونی های سیاسی مشخصی را به همراه داشته باشند. سخنان ضدونقیض اخیر علی خامنه ای در روز سه شنبه، ۲ تیرماه، در زمینه مذاکرات هسته ای و ترسیم به اصطلاح خط قرمزها، و همچنین تهدیدهای بدون پشتوانه، و شعارهای او در زمینه ضرورت برداشته شدن غیرمشروط کل تحریم ها را نیز می باید در عرصه کنش و واکنش های درونی رژیم ولایت فقیه ارزیابی کرد. بسیار بعید به نظر می رسد که سخنان خامنه ای در دیدار رمضانی سران قوا و مسئولان و مدیران ارشد نظام [در ۲

مرحله پایانی مذاکرات اتمی، و تأملی بر مانورهای مذبوحانه رهبر رژیم

در صفحه ۱۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!

ادامه قرار دادهای موقت ...

اقتصادی وجود دارد. خبرگزاری مهر، ۷ بهمن ماه ۹۳، از "ایجاد ۱۰ منطقه اقتصادی ویژه اقتصادی" تازه خبر داد؛ جعفر آهنگران، معاون شورای عالی مناطق آزاد، ۲ اردیبهشت ماه، از بررسی طرح "اضافه شدن شش منطقه بانه-مریوان، اینچه برون، زابل، اردبیل، و جاسک" در شورای عالی مناطق آزاد از سوی دولت و مجلس به ایسنا خبر داد. اسحاق جهانگیری معاون اول روحانی، با اشاره به "ایجاد سه منطقه آزاد قشم، کیش و چابهار در برنامه اول توسعه"، به خبرگزاری مهر، ۱۹ خردادماه، گفت: "متأسفانه آن طور که انتظار می‌رفت نتوانستیم به اهداف موردنظر دست پیدا کنیم... هم اکنون برخلاف انتظارات، سهم مناطق آزاد از واردات بیشتر از صادرات است... چرا نتوانسته‌ایم به اهداف مدنظر در مناطق آزاد دست پیدا کنیم؟... در یکی از جلسات آتی به این موضوع پرداخته خواهد شد. جالب اینجاست که، در بیش از دو دهه اخیر، واپس‌گرایان وقت بررسی این موضوع را نداشتند، اما فعلاً، و پس از وعده دادن به پرداختن به این موضوع جلسات آتی، در همان روز ۱۹ خردادماه، "شورای عالی مناطق آزاد تجاری، صنعتی و ویژه اقتصادی به ریاست خود جهانگیری، با ایجاد ۸ منطقه ویژه و آزاد اقتصادی موافقت کرد". یکی از دستاویزها برای گسترش این مناطق، "ایجاد اشتغال" بوده است. خبرگزاری مهر، ۲۲ اردیبهشت ماه، با اعلام اینکه "یکی از ابزارهای لازم برای توسعه صادرات و ایجاد اشتغال در کشور، کاهش موانع قانونی است که این امر از طریق تأسیس مناطق آزاد تجاری - صنعتی میسر است"، از ارسال "لایحه ایجاد مناطق آزاد مهران و اردبیل" به مجلس از سوی خود روحانی را گزارش داد. در صورتی که یک عضو شورای شهر و رئیس کمیسیون فرهنگی چابهار به ایسنا، ۴ شهریورماه ۹۳، گفته بود: "با گذشت ۲۳ سال از تأسیس منطقه آزاد چابهار هنوز این منطقه به اولین هدفش که "اشتغال‌زایی" بوده دست نیافته است".

جعفر آهنگران، مدیر هماهنگی امور مناطق آزاد، در توصیف مناطق آزاد، به ایسنا، ۴ خردادماه، گفت: "هیچ منعی برای واردات و صادرات در مناطق آزاد و ویژه وجود ندارد... مناطق آزاد و ویژه، محدوده‌هایی در داخل کشور هستند که خارج از قلمرو گمرکی بوده و مقررات صادرات و واردات بر آنها حاکم نیست"، و ۲۰ اردیبهشت ماه افزود: "مناطق آزاد ۲۰ معافیت مالیاتی دارند که مناطق ویژه ندارند". ناصر خرما، مدیر بانک و بیمه شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، در توصیف "مزایای" این مناطق برای "خارجیان"، به ایسنا، ۲۳ اردیبهشت ماه، گفت: "معافیت کامل یا نسبی مالیاتی، درجه بالای رازداری بانکی، معافیت از تودیع سپرده قانونی، نظام ارزی آزاد، امکان مالکیت صددرصدی خارجیان و مقررات نظارتی سهل‌گیرانه از جمله مزایای این نوع بانکداری است... در مناطق آزاد خاص انجام می‌شود. مثلاً سخنان رئیس هیئت‌مدیره انجمن صنایع نساجی نشانگر نمونه‌یی از "واردات" به کشور به وسیله پایگاه طبقاتی رژیم ولایتی از این مناطق است. او "سرازیر شدن کالاهای وارداتی را مهم‌ترین [عامل] و خاصیت اوضاع بازار نساجی" عنوان کرد و به ایسنا، ۱۱ مهرماه ۹۳، گفت: "در حال حاضر ۲۲۰ هزار تن پارچه به اندازه ۸ ماه مصرف کل کشور و ۲۵ هزار تن نخ وارد شده است... از ۲۲۰ هزار تن پارچه... ۵۰ هزار تن توسط شرکت وابسته به نهاد نظامی و ۸۰ هزار تن به صورت رسمی از مناطق آزاد و ۹۰ هزار تن باقیمانده از طریق قاچاق بوده است". یک کارشناس اقتصادی نیز به ایسنا، ۲۰ اردیبهشت ماه، گفت: "این مناطق به مرکز قانونی شدن قاچاق تبدیل شده‌اند... ما می‌توانیم پوشاک کل خاورمیانه را تأمین کنیم اما متأسفانه این کالاها از طریق قاچاق، راحت وارد کشور می‌شوند... نباید به هرچه کشورهای دیگر برای ما تجویز می‌کنند تن دهیم... به اسم تجارت آزاد و WTO [سازمان تجارت جهانی] می‌خواهند توی سر کشورهای جهان سوم بزنند".

صحت ادعاهای ریعی در یک مجمع جهانی را، در مناطق آزاد و ویژه‌ای که رژیم ولایت‌فقیه به آزمایش گذاشتن... اهداف آرمانی "اش" را در آنجا اعلام

می‌دارد، لازم است بررسی کرد و دید. خبرگزاری ایسنا، ۱۶ خردادماه، از افزودن شدن شرطهایی به قرارداد کار کارگران شاغل در فازهای ۱۵ و ۱۶ منطقه ویژه عسلویه گزارش داد، شرطهایی که "مزد کارگران را در گرو برپا نکردن اعتصاب کارگری قرار می‌دهد". مطابق این گزارش، شرطهای گنجانده شده در قراردادهای کارگران، واکنشی به اعتراض‌های وسیع کارگری در این منطقه به موققات مزدی "بین دو تا پنج ماه" کارگران بوده است. شرطهای گنجانده شده در قرارداد کار کارگران عبارت بودند از: ۱. "پرداخت حقوق با واریزی کارفرما به این شرکت [پیمانکار] است و در صورت هرگونه اعتصاب [به کارگر] بدون دادن حق و حقوق تسویه داده می‌شود؛ ۲. "چنانچه قرارداد کار ظرف مدت یک هفته یا کمتر خاتمه یابد هیچ وجهی به کارگر پرداخت نخواهد شد؛ ۳. "در صورت تسویه حساب مبلغ مزد پایان کار، سه ماه بعد به کارگر پرداخت خواهد شد. برای آشنایی بهتر با مفهوم کلمه "الگو" از دیدگاه ریعی، به سه نمونه از استعمار نوع ولایتی از کارگران و رعایت نکردن مقررات ایمنی و بهداشت در محیط‌های کار در مناطق آزاد و ویژه اشاره می‌کنیم: رئیس انجمن صنفی کارشناسان ایمنی و بهداشت کار کشور، ۱۸ اردیبهشت ماه، "بیماری‌های شغلی را به مرگ خاموش کارگران توصیف کرد" و افزود: "به دلیل جدی گرفته نشدن اصول ایمنی و بهداشت کار در منطقه ویژه عسلویه، روند ابتلا به بیماری‌های ناشی از کار در این منطقه رو به افزایش است". یک کارشناس ایمنی در منطقه عسلویه به ایسنا، ۱۹ اردیبهشت ماه، گفت: "هم اکنون در عسلویه کارگران تا نزدیک به ۱۶ ساعت در روز کار می‌کنند... هم پیمانکاران جزء و هم مدیران پروژه‌های بزرگ از کارشناسان ایمنی توقع دارند در اجرای مقررات ایمنی چندان سخت‌گیری به خرج ندهند" و یک فعال حقوق صنفی کارگران در منطقه آزاد عسلویه به ایسنا، ۱۰ دی ماه ۹۳، گفت: "کارگران شاغل در این پروژه‌ها دست کم هر روز با انجام ۴ ساعت اضافه‌کاری اجباری تا ۱۲ ساعت کار می‌کنند... در این کارگاه‌ها شرایطی مشابه اردوگاه‌های کار حاکم است".

در رابطه با ادعای ریعی مبنی بر آزادی کارگران و تشکلهای کارگری، به دو گزارش اشاره می‌کنیم. در طول بیش از یک ماه اعتصاب ۱۲۰ کارگر کارخانه ایران بک در اعتراض به دریافت نکردن ۹ ماه حقوق و مشکلات بیمه‌ای، برای مذاکره با کارفرما و مقامات محلی، کارگران چهار کارگر کارخانه را به عنوان نماینده خود انتخاب کرده بودند. در بیست و نهمین روز اعتصاب کارگران، ایسنا، ۲۶ خردادماه، با تأکید بر اینکه در چند نوبت نمایندگان کارگران "تهدید به اخراج شده‌اند"، نوشت: "در میانه اعتصاب در روزهای ۱۹ و ۲۴ خرداد دو ماه از مجموع ۹ ماه حقوق معوقه کارگران پرداخت شد، این کارگران [۴ نماینده کارگران] مورد استننا قرار گرفتند و هیچ مبلغی به آنان پرداخت نشد". تأکید می‌کنیم: پرداخت نکردن حقوق به نمایندگان کارگران با آگاهی کامل مقام‌های محلی انجام می‌گیرد. نمونه‌یی دیگر: "در حالی که ساعت کاری در شرکت استیم از ۷ صبح تا پنج و نیم عصر بود، روز ۱۲ خرداد ۹۴ هنگامی که حدود ۶۰۰ کارگر شرکت "به محل کار مراجعه کردند، با ابلاغ افزایش ساعت کاری" تا ۷ و نیم عصر مواجه شدند. در "اعتراض به تصمیم پیمانکار که آن‌ها را به اضافه‌کاری اجباری ملزم می‌کرد"، کارگران دست از کار کشیدند. بنا بر گزارش ایسنا، ۱۹ خردادماه، از دو هفته پیش‌تر، پیمانکار نیروی انسانی "از سرویس‌های برگشت خواسته بود ساعت ۷ و نیم عصر کارگران را به خانه بازگردانند". متعاقب اعتصاب کارگران، در توافق‌نامه‌یی که بین پیمانکار و نمایندگان کارگران امضا شد، مقرر شد علاوه بر پرداخت شدن "دو ماه از سه ماه حقوق معوقه کارگران"، ساعت کاری نیز به روال همیشگی برگردانده شود. دولت یازدهم رژیم ولایت‌فقیه، برای تکمیل روند "آزادسازی" اقتصاد به منظور درآمدن به عضویت کامل در سازمان تجارت جهانی و احیای مناسباتش با کشورهای امپریالیستی، قصد دارد ساختار تشکلهای زرد کارگری را تغییر دهد و آن‌ها را در طرحی با عنوان: "توانمندسازی و ساماندهی مشارکت تشکلهای کارگری و کارفرمایی در تنظیم روابط کار" ادغام کند. پس از انجام تغییرهای بیشتر در قانون کار و دادن حق فسخ قرارداد کار کارگران به کارفرمایان، و آغاز فاز سوم "هدفمندی یارانه‌ها" در جهت برنامه آزادسازی قیمت‌ها، به منظور به وجود آوردن شرایط بهتر برای سوداگری سرمایه‌داری انگلی و وطنی و انحصارهای امپریالیستی، رژیم ولایت‌فقیه به مهار جنبش کارگری و تضمین "امنیت" سرمایه خارجی نیاز دارد. طرح جدید وزارت کار برای ادغام تشکلهای زرد کارگری، بخش جدایی‌ناپذیری از برنامه‌های رژیم برای خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی و "آزادسازی" قیمت‌ها و مزد کارگران است. ماده ۳ مقاوله‌نامه ۸۷ سازمان جهانی کار در رابطه با "آزادی

ادامه قرار دادهای موقت ...

بیانیه مشترک حزب‌های کمونیست، چپ و ترقی‌خواه
شرکت‌کننده در کنگره ۲۲ آکل در رابطه با اوکراین

خبرهایی که از اوکراین دریافت می‌شوند مایه نگرانی‌ای فراوان برای جامعه جهانی شده است. پس از کودتای سال گذشته در اوکراین، رژیم فاشیستی خودکامه ددمنش در این کشور بر سر کار آمده است. تهدید و سرکوب نیروهای مخالف رژیم - به ویژه حزب کمونیست و هواداران آن - هر روز شدیدتر می‌شود. نئونازی‌های - طرفدار همدستان اشغالگران فاشیست در دوران جنگ جهانی دوم - در اوکراین به قدرت رسیده‌اند و با نقض شدید قانون اساسی اوکراین و پیمان‌های جهانی در دفاع از حقوق انسانی و آزادی‌های بنیادی، به سازمان‌دهی دادگاهی ننگ‌آور برای به‌محاکمه کشیدن حزب کمونیست اوکراین دست زده‌اند.

در چنین شرایطی، نیروهای تبه‌کار و ملت‌گرای افراطی، به‌قصد غیرقانونی کردن اندیشه‌ها و نمادهای کمونیستی، و به‌منظور به‌وجود آوردن زیربنایی ساختگی با سیمایی به‌ظاهر قانونی، در مسیر بازداشتن حزب کمونیست از فعالیت و ستایش از همدستان هیتلر، توانستند مجلس را به گذراندن سلسله قانون‌هایی در مورد به‌اصطلاح اشتراکی‌زدایی وادارند. هر کنش مخالفی با این نیروها، به‌شدت سرکوب می‌شود.

کارگران از دستاوردهای اجتماعی باقی‌مانده از دوران نظام سوسیالیستی بی‌بهره می‌شوند. بدون توجه به قانون اساسی اوکراین، اندیشه میهن‌پرستی متعصبانه، ملی‌گرایی افراطی، و نفرت از دگراندیشان، همچون حکمی رسمی یا ناگزیر، بر جامعه تحمیل شده است.

اقتصادی که به‌بار آورده شده است در آستانه ورشکستگی قرار دارد و بیشتر مردم به‌زیرخط فقر رانده شده‌اند. جنگ برادرکشی در خاور کشور، جانبازی‌های کلان، تیره‌روزی، و ناکامی میلیون‌ها انسان را موجب گردیده است. خطر فروپاشی دولت اوکراین افزایش یافته است.

باین‌وجود، در اجرای مفاد پیمان مینسک - به‌قصد گره‌گشایی و به‌پایان رساندن خون‌ریزی، و گفتگو کردن به‌منظور رسیدگی به کشمکش‌ها بر شالوده نپرداختن حقوق قانونی ساکنان دونباس و دیگر منطقه‌ها - از سوی مسئولان دولت کنونی اوکراین اختلال و کارشکنی می‌شود. تهدید جدی بالا گرفتن درگیری‌های مسلحانه، که با درگیر شدن کشورهای اروپایی در آن‌ها می‌تواند به جنگی تمام عیار بینجامد، واقعیتی عینی است. در چنین شرایطی، مجلس اوکراین نسبت به پیگیری پیمان بین‌المللی درباره حقوق مدنی و سیاسی، توافقنامه باسداشت حقوق انسانی و آزادی‌های بنیادین، منشور (بازنویسی شده) اجتماعی اروپا در سرزمین‌های دستخوش درگیری، جز کوتاهی کردن، اقدامی دیگری نکرده است. میهمانان و شرکت‌کنندگان این کنگره، به عملکرد خودسرانه و غیردمکراتیک رهبران اوکراین، که نشانگر زیر پا گذاردن قانون اساسی و تهدیدهای بین‌المللی است، به‌شدت اعتراض می‌کنند.

ما، لغو بی‌درنگ قانون بدنام و رسوای "کمونیست‌زدایی"، و تعقیب و آزار حزب کمونیست اوکراین - حزب مدافع پیگیر منافع مردم زحمتکش - را خواستاریم.

به تعرض و ستم به حزب کمونیست اوکراین، این نیروی میهن‌پرست راستین مردم اوکراین، پایان دهید!

جمعیت ترقی‌خواه دمکراتیک بحرین

حزب کارگران بلژیک

حزب کمونیست برزیل

حزب کمونیست کوبا

آکل (حزب مترقی زحمتکشان قبرس)

حزب متحد قبرس

حزب نوین قبرس

حزب کمونیست بوهم و موراوی (جمهوری چک)

حزب کمونیست دانمارک

گروه پارلمانی چپ و سبزها (پارلمان اروپا)

حزب کمونیست فرانسه

حزب کمونیست آلمان

سیریزا (یونان)

حزب کمونیست یونان

حزب توده ایران

حزب کمونیست کردستان عراق

حزب کمونیست عراق

حزب کمونیست اردن

کنگره ملی کردستان

حزب کمونیست لبنان

حزب کمونیست مالت

حزب ترقی و سوسیالیسم (مراکش)

حزب مردم فلسطین

حزب کمونیست فلسطین

جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین

سازمان آزادی‌بخش فلسطین

چپ متحد اروپا (مجمع پارلمانی اروپا)

حزب کمونیست پرتغال

حزب گزینه سوسیالیستی رومانی

حزب کمونیست فدراسیون روسیه

حزب کمونیست جنوب سودان

جبهه آزادی‌بخش ملی سریلانکا

حزب کمونیست سودان

حزب کمونیست سوریه

حزب متحد سوریه

حزب کمونیست ترکیه

حزب کمونیست اوکراین

حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا

حزب کمونیست ویتنام

فدراسیون جهانی جوانان دمکراتیک

سندیکاها و حمایت از حقوق سندیکایی" تأکید می‌کند: "سازمان‌های کارگری و کارفرمایی حق دارند آزادانه اساسنامه و آئین‌نامه‌های خود را تدوین کنند، نمایندگان خویش را برگزینند، چگونگی اداره امور و فعالیت خود را تنظیم کرده و برنامه عملی خویش را اعلام کنند. ... مقامات دولتی باید از هرگونه مداخله‌ای که منجر به محدودیت این حق یا اشکال در اجرای قانونی آن شود، خودداری کنند." جناح‌های مختلف رژیم ولایت‌فقیه، در سه دهه اخیر، با نقض آشکار مقاله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار، بسته به نیازها و منافع جناحی‌شان، تشکیلات "کارگری" موردنظر خود را ساخته‌اند. رژیم ولایت‌فقیه، با وصف عضویت در هیئت‌مدیره سازمان جهانی کار، "ادغام" کردن تشکل‌های موجود [در یکدیگر] و "ساختن" تشکیلات جدیدی را در نظر دارد. رهبران تشکیلات زرد کارگری از طرح وزارت کار برای ادغام سه تشکل: کانون عالی شوراهای اسلامی کار، کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری، و مجمع عالی نمایندگان کارگران، جهت ایجاد تشکل‌های فراکارگاهی حرفه‌ای در سطح داخلی به‌جای تشکل‌های استانی حمایت می‌کنند. برای نمونه، دبیرکل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری به ایلنا، ۶ خردادماه، گفت: "تشکل‌های رسمی از این ادغام استقبال می‌کنند"، و ۳۱ خردادماه به ایستا گفت: "آن‌ها [کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری - ITUC] گمان می‌کنند نمایندگان گروه‌های کارگری در ایران دولتی هستند و استقلال و آزادی عملی از خود ندارند... درصددیم تا نگاه منفی نسبت به ایران را از بین ببریم... و اساسنامه خود را به آن‌ها نزدیک کرده‌ایم." با وجود اینکه طرح "اصلاح" قانون کار برای تغییر ساختار و "ادغام" تشکیلات رسمی "کارگری" از سوی وزارت کار رژیمی ارائه شده است که این سه تشکل را "ساخته" است، دیدگاهی وجود دارد که بعد از انتقاد از این تشکل‌ها، "ارزیابی در چگونگی تغییر قانون کار"، بدون هیچ تأییدی بر استقلال عمل کارگران و عدم دخالت دولت در این روند را خواستار است. یا به‌عبارت‌دیگر، اقدام وزارت کار برای پیشبرد این روند را توجیه می‌کند. دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که حتی پا را فراتر گذاشته و ادعا می‌کند که در سال‌های اخیر عملکرد این تشکل‌های دولت ساخته بیشتر در راستای حمایت از حقوق و منافع کارگران بوده است. برای ارائه نمونه‌یی از عملکردهای اخیر این سه تشکل، و در حکم واکنشی به ادعای ربیعی مبنی بر پیشی گرفتن دستمزد از تورم در دو سال گذشته، اشاره به نحوه تعیین مزد ۹۴ کارگران را لازم می‌بینیم. درحالی‌که بنا بر گزارش‌های ایلنا، ۶ اسفندماه ۹۲ و ۱۷ دی‌ماه ۹۳، در طول سال ۹۳، خط‌افز از یک‌میلیون و ۷۰۰ هزار تومان به سه میلیون و ۴۰۰ هزار تومان افزایش یافته بود، و بنا بر گزارش ایستا، ۱۸ اسفند ۹۳، که ۸۰ درصد کارگران



میلادی (دی - بهمن ۹۳) صادرات آمریکا به ایران با رشد ۲۳ درصدی همراه بوده است.

گزارش دیگری که خبرگزاری ایسنا، به نقل از گمرک چین، منتشر کرده حاکی از آن است که، در ۲ ماه نخست سال میلادی کنونی، تجارت جمهوری اسلامی و چین با کاهش ۲۱ درصدی روبه‌رو گردیده است.

ادامه روند واردات بنیان‌کن و فاجعه‌آفرین برای اقتصاد ملی، تنها و تنها به سود سرمایه بزرگ تجاری است که با شبکه گسترده‌اش، عملاً اقتصاد کشور را در چنگال آزمن خود اسیر ساخته و به نابرابری اجتماعی و توزیع ناعادلانه درآمد دامن زده است. میلیاردها دلار از درآمدهای کشور، و در حقیقت ثروت ملی و متعلق به توده‌های مردم، در چارچوب

دیکتاتوری حاکم به سود منافع سرمایه بزرگ تجاری و لایه‌های انگلی سرمایه‌داری ایران به جیب شرکت‌ها و کشورهای امپریالیستی سرازیر می‌شود، و در مقابل آن، کالاهای مصرفی و لوکس به کشور وارد می‌گردد. گزارش گمرک جمهوری اسلامی از وضعیت بازرگانی خارجی در سال ۹۳ مظهر تأییدی بر افزایش ثروت و قدرت لایه‌های انگلی و مصرف‌گرا و به‌زیان منافع توده‌ها و تولید و منافع ملی است!

دومین همایش "اعتدال" با موضوع زنان: واقعیت‌های انکارناپذیر، مدعیات پوچ

از زمان روی کار آمدن دولت روحانی، تبلیغات پرسروصدایی با مضمون ارتقاء نقش زنان در جامعه را شاهد بوده‌ایم. با وجود اینکه دولت "تدبیر و امید" به‌طور مرتب پیرامون زنان و جایگاه اجتماعی آنان به تبلیغات مختلف دست زده است و اینجوانانجا سمینارها و همایش‌هایی برپا کرده است، تاکنون هیچ‌گام عملی مشخصی برای مقابله با تبعیض جنسیتی همه‌جانبه که زنان میهن ما با آن مواجه‌اند، به‌پیش برداشته نشده است. آخرین نمونه تفکیک جنسیتی نیز در صداوسیما اجرا شد.

یکی از ویژگی‌های معنادار سیاست دولت روحانی در قبال زنان میهن ما - که نباید از آن به‌سادگی گذشت - اعمال و اجرای سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی‌ای است که به پایمال شدن بیشتر حقوق زنان، به‌ویژه زنان قشرهای میانه‌حال و لایه‌های محروم و زحمتکش، منجر شده است. گردانندگان رژیم و مسئولان دولت پنهان نمی‌کنند که، در شرایط کنونی وقتی از ارتقاء جایگاه زنان در امور و عرصه‌های مختلف اجتماعی سخن می‌گویند، منظور و هدفشان رفع تبعیض جنسیتی - طبقاتی زنان نیست، بلکه آماج این گردانندگان و مسئولان، در درجه نخست، مهار و کنترل جنبش زنان، جنبش زنان در مقام یکی از گردان‌های تأثیرگذار اجتماعی، و نیز جلب بخش‌هایی از این جنبش در طیف "اعتدال" و جذب در آن است. به‌علاوه، کوشش هدفمند رژیم، به‌انفعال کشاندن فعالان جنبش زنان با مانورهایی گمراه‌کننده بوده و است. در این زمینه، سخنان وزیر کشور در یازدهمین نشست مشاوران امور بانوان دستگاه‌های اجرایی با معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، مثالی گویا و معیاری مناسب برای اثبات این واقعیت است. ایسنا، ۲۲ اردیبهشت‌ماه، در گزارشی از این نشست و به‌نقل از رحمان فضلی وزیر کشور دولت روحانی، از جمله نوشت: "پس از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش شد که بر اساس آموزه‌های دینی و با تدوین قوانین و ارزش‌گذاری‌های... امام و مقام معظم رهبری بخشی از نابرابری‌ها در حوزه زنان رفع شوند و این روند مناسب و فزاینده بوده است... رئیس‌جمهور به حوزه زنان اهمیت می‌دهند و سفارش‌ها و تأکیدهای لازمی در این زمینه دارند. موضوع زنان همواره یکی از موضوعات مهم و تأثیرگذار در عرصه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. مشاوران امور بانوان در این شرایط کار سختی دارند و باید بر اساس شاخص‌های حکومت اسلامی و دولت تدبیر و امید عمل کنند... امام و رهبری، رئیس‌جمهور و بزرگان دینی بر آموزه‌های الهی [بخوان: آموزه‌های رژیم ولایت‌فقیه] اعتقاد دارند و بر این دیدگاه‌ها به موضوعات زنان می‌نگرند، بنابراین مسیر، جهت و راه‌ما فراهم است."

در همین چارچوب نیز دومین همایش زنان و اعتدال سازمان‌دهی می‌شود. درست در چارچوب چنین دیدگاهی - که طی بیش از سه دهه اخیر به تحمیل تبعیض جنسیتی به زنان میهن ما منجر گردیده است - مشاوران امور بانوان و معاونت امور زنان حمایت خود را از تدوین و برنامه‌ریزی درخصوص زنان در قالب برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی را اعلام کرده‌اند. ماده‌ها و تبصره‌های تاکنون انتشار یافته برنامه ششم توسعه - که بر اساس نسخه‌های دیکته‌شده از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی تنظیم شده‌اند - نشان



افزایش واردات، و نقش مخرب سرمایه بزرگ تجاری

آمار و برآوردهای منتشر شده از سوی روابط عمومی گمرک جمهوری اسلامی درخصوص وضعیت بازرگانی خارجی کشور، از تداوم رشد واردات، به‌ویژه واردات کالاهای مصرفی و لوکس به داخل کشور، و به‌موازات آن، تضعیف تولید و صادرات غیرنفتی حکایت می‌کنند. در این‌باره، روزنامه اعتماد، ۱۲ خردادماه، گزارش داد، هشتاد میلیارد دلار واردات از طریق اعتبار تجاری صورت گرفته است. در سه سال گذشته بیش از سه میلیارد و ۲۶۶ میلیون دلار قطعه وسایل نقلیه موتوری وارد کشور شده است و صد واحد تولیدی قطعه‌ساز تعطیل شده‌اند. همچنین خبرگزاری ایرنا، ۲۲ خردادماه، گزارش داد، در سه ماه نخست سال ۹۴ به‌طور میانگین بیش از ۵ میلیون لیتر بنزین وارد کشور شده است. خبرگزاری ایسنا، اواخر فروردین‌ماه، گزارش داد، حجم بازرگانی خارجی ایران در سال ۹۳ نزدیک به ۱۰۳ میلیارد دلار بوده است. مطابق اعلام روابط عمومی گمرک جمهوری اسلامی در سال ۱۳۹۳، واردات نسبت به مدت مشابه سال قبل، از نظر وزن ۲۳ درصد و از نظر ارزش بیش از ۶ درصد افزایش داشته است.

گمرک جمهوری اسلامی افزوده است، میانگین قیمت هر تن کالای وارداتی در سال ۹۳، یک هزار و ۲۷۵ دلار بوده که نسبت به مدت مشابه سال قبل، ۱۴ درصد رشد نشان می‌دهد. گندم، برنج، خودروهای شخصی و سواری آمریکایی - اروپایی و ژاپنی، وسایل آرایش و تزیینات از عمده‌ترین کالاهای وارداتی بوده‌اند. مقایسه این ارقام با میزان درآمدهای حاصل از فروش نفت و دیگر صادرات، نشان‌دهنده وضعیت فاجعه‌باری است که در چارچوب آن درآمدهای ملی صرف واردات، آن‌هم در شرایط تحریم، شده و فقط لایه‌ی متمول و سوداگر، در قبال فقر مردم و نابودی تولید ملی، به ثروت‌هایی افسانه‌ای رسیده است. نکته مهم دیگری که در خلال بررسی آمارها به‌چشم می‌خورد، افزایش دادرسی با کشورهای اتحادیه اروپا و آمریکا، به‌رغم وجود تحریم‌های مداخله‌جویانه خارجی، است.

به‌گزارش گمرک، در ماه‌های اخیر، به‌ویژه در شش ماه دوم سال گذشته خورشیدی، تجارت رژیم ولایت‌فقیه با انگلیس با رشدی ۲۵ درصدی روبه‌رو بوده است، و در همین زمان، تجارت با آلمان، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و هلند، رشدی ۲۶ درصدی داشته است.

بر پایه گزارش خبرگزاری ایسنا، ۲۰ فروردین‌ماه امسال، فقط در یک معامله با کشورهای اتحادیه اروپا، طی یک روز ۱۴ هزار یورو نمک خوراکی وارد کشور شده است. سیل واردات خودروهای لوکس سواری آلمانی، فرانسوی و ایتالیایی به کشور، سبب خروج میلیاردها دلار ارز از کشور شده است.

به‌علاوه، وزارت بازرگانی آمریکا نیز در گزارش اخیر خود اعلام داشته است که، در دوماه نخست سال ۲۰۱۵

ادامه رویدادهای ایران ...

می‌دهند که، زنان متعلق به لایه‌های محروم جامعه، به‌ویژه زنان زحمتکش، با تبعیض جنسیتی و طبقاتی‌ای هولناک، که از تبعیض‌های اعمال‌شده گذشته به مراتب ژرف‌تر خواهد بود، روبه‌رو می‌شوند. به‌گفته معاون رییس‌جمهور در امور زنان و خانواده، بر پایه دیدگاه‌های فقهی، "نقش زنان در ارتباط با تعامل سازنده با جهان، اقتصاد مقاومتی و افزایش بهره‌وری" در برنامه ششم توسعه در نظر گرفته خواهد شد.

محتوا و مضمون دومین همایش اعتدال با موضوع زنان، دقیقاً در چارچوب مانورهای هدفمند و به‌خوبی محاسبه‌شده به‌منظور کنترل و مهار جنبش زنان و به‌وجود آوردن چنددستگی و تفرقه در صف‌های آن صورت می‌گیرد. بی‌جهت نیست که معاونت امور زنان ریاست جمهوری به‌جای مخالفت قاطع و مؤثر با برخی اقدام‌ها و پیشنهادها برای حمایت از حقوق زنان از جمله تشکیل مرجع ملی صیانت [نگهداری، پاسداری] از حقوق زنان از سوی مجلس و شورای نگهبان و محفل‌های پرنفوذ حکومتی، شعارهایی توخالی درباره نقش زنان در اجرای اقتصاد مقاومتی و برنامه ششم توسعه سر می‌دهد و همایش "اعتدال با موضوع زنان" را برگزار می‌کند. برخلاف ترفندها و تبلیغات رژیم، آنچه به‌عنوان واقعیت انکارناپذیر باید موردتوجه قرار داد، تبعیض جنسیتی در حق زنان و حاکمیت بی‌چون‌وچرای دیدگاه‌های قرون‌وسطایی و واپس‌گرایانه در این زمینه در کشور است. دولت روحانی برنامه‌ی روشن و اراده‌ی استوار برای مقابله با این دیدگاه‌های ارتجاعی ندارد و نمی‌تواند داشته باشد.

معیشت فرهنگی، خصوصی‌سازی آموزش، و سیاست دولت

پس از تداوم اعتراض‌های سراسری فرهنگی، رژیم ولایت‌فقیه، مجموعه سیاست‌هایی را در قبال سیستم آموزشی کشور و خواست‌های فرهنگی تدوین و اجرا کرده است.

مبارزه و مخالفت قاطع فرهنگیان میهن ما با سیستم واپس‌مانده آموزشی کشور و نقش نهادهای مذهبی در آن و نیز رویارویی با برنامه خصوصی‌سازی آموزش، مسئولان وزارت آموزش و پرورش را بر آن داشت تا برای کنترل و فروکاستن از نارضایتی‌ها به اقدام‌هایی معین دست بزنند. این اقدام‌های سطحی صرفاً در راستای مهار نارضایتی‌ها و فریب معلمان کشور صورت گرفته و می‌گیرد. به‌عنوان نمونه، خبرگزاری ایسنا، ۲۵ اردیبهشت‌ماه امسال، در گزارشی نوشت: "با حضور وزیر آموزش و پرورش، بزرگ‌ترین پروژه تجاری، اداری و رفاهی فرهنگیان جنوب شرق کشور کلنگ‌زنی شد... همچنین نمایشگاه بزرگ جلوه‌های تلاش آموزش و پرورش به‌منظور معرفی و نمایش دستاوردها... در اداره کل آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان با حضور وزیر آموزش و پرورش گشایش می‌یابد."

از سوی دیگر مجلس شورای اسلامی، که با مصوبه‌های خود لطمه‌هایی فراوان به منافع آموزگاران و دبیران کشور وارد ساخته است، به‌یک‌باره با تشکیل جلسه‌های علنی و غیرعلنی، به فکر فرهنگیان افتاده است. ایسنا، اواسط خردادماه، خاطرنشان ساخت: "در مجلس بحث درباره معلمان و مطالبات آن‌ها جریان دارد... برخی نمایندگان خواستار تشکیل جلسات غیرعلنی برای رسیدگی به وضعیت معلمان هستند. یکی از نمایندگان اعلام کرد، فرهنگیان مرجعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور هستند و باید به داد زندگی مشقت‌بار آن‌ها برسیم." هم‌زمان، معاون وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد: "شاخص‌های عمومی و اختصاصی مربوط به وظایف حرفه‌ای معلمان، متناسب با تنوع فعالیت در شاخه‌های تحصیلی مختلف در دست تدوین است."

چنین مانورها و اقدام‌هایی صرفاً به‌منظور فریبکاری صورت می‌گیرند و مینا و یابویی واقعی ندارند. درحالی‌که سخن از افزایش سطح رفاه معلمان و تدوین شاخص‌های عمومی مربوط به وظایف حرفه‌ای فرهنگیان در میان است، نقش مخرب نهادهای مذهبی و روحانیون حکومتی در آموزش همچنان تقویت می‌شود. نباید فراموش

کنیم که مؤسسه‌های مذهبی و روحانیون وابسته به حکومت، از زمره مدافعان سینه‌چاک برنامه خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و تأسیس و راه‌اندازی مدارس خصوصی‌اند، زیرا منافع مادی این خصوصی‌سازی به جیب‌هایشان می‌رود و امکان تأثیرگذاری به‌اصطلاح معنوی‌شان بر سیستم آموزشی هم افزایش می‌یابد. چندی پیش، در اعتراض به نقش فزاینده مؤسسه‌های مذهبی در آموزش و پرورش کشور، اعلام شد: "نبود محتوای استاندارد از بزرگ‌ترین مشکلات فعلی آموزش و پرورش است." نبود استاندارد، مضمون برنامه‌های آموزشی در سطح دبستان و دبیرستان و نیز کتاب‌های درسی مقاطع مختلف تحصیلی را شامل می‌شود. ایسنا، ۲۴ اردیبهشت‌ماه، در این‌باره نوشت: "پس از گذشت یک‌صد سال از عمر آموزش و پرورش، همچنان با روش‌های تدریس سنتی روبه‌رو هستیم... نبود مدیریت ثابت، نبود انگیزه کافی در معلمان و نبود منابع کافی مالی از منابع هوشمندسازی در مدارس... هستند. مدارس به اندازه کافی پول برای خرید ابزار و محتوا ندارند."

پرسش اینجاست، چگونه است که وقتی مدارس پول کافی برای تهیه و خرید ابزارهای ضروری آموزشی ندارند، مؤسسه‌های مذهبی و نهادهای وابسته به روحانیت حکومتی، میلیاردها تومان به نام مشارکت در تحول آموزش و پرورش کشور به جیب می‌زنند؟ خصوصی‌سازی آموزش در چنین وضعیتی آیا به معنی نابودی پایه‌های علمی کشور نیست؟ دولت روحانی در چارچوب اقتصاد مقاومتی و سمت‌گیری اقتصادی - اجتماعی رژیم، بر خصوصی‌سازی آموزش تأکید می‌ورزد. از هم‌اکنون، و با حمایت مستقیم دولت، شمار مدارس خصوصی در چهارگوشه کشور افزایش یافته است، و وزارت آموزش و پرورش رسماً شهریه مدارس غیردولتی را ۱۲ درصد بیش از سال گذشته تعیین کرده است! این وضعیت به کاهش بازهم بیشتر سطح زندگی فرهنگیان و سقوط و تنزل سطح علمی و آموزشی کشور منجر خواهد شد. مبارزه با خصوصی‌سازی آموزش، از مبارزه با رواج خرافه و گسترش نقش مؤسسه‌های مذهبی در سیستم آموزشی کشور جدا نیست!

معضل بیکاری، و بالا رفتن نرخ بیکاری در میان جوانان

برخلاف تبلیغات پرسروصدای دولت روحانی و دیگر نهادهای رژیم ولایت‌فقیه، نرخ بیکاری در کشور ما همچنان سیر صعودی می‌پیماید و هزاران تن از جوانان، به‌ویژه دختران و زنان، نمی‌توانند به بازار کار و کسب همراه با اشتغال پایدار وارد شوند. آمارها نشان می‌دهند که در ۱۱ شهر کشور بیکاری بیش از ۴۰ درصد است. مطابق آخرین برآوردهای منتشرشده از سوی مرکز آمار و وزارت کار جمهوری اسلامی، بیش از ۲۴/۱ درصد از خانوارهای ایرانی هیچ عضو صاحب شغلی در میان خود ندارند. خبرگزاری مهر، ۲۲ اردیبهشت‌ماه، در گزارشی یادآوری کرد: "توزیع نامتوازن [بخوان: توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد ملی] فرصت‌ها و ثروت در کشور باعث شده تا ۵ میلیون خانوار بدون شاغل روزگار بگذرانند و از سوی دیگر، ۱۲۹ هزار خانوار برای مقابله با بدترین نوع از بیکاری حاضرند با ۳ نفر و بیشتر وارد بازار کار شوند." در ادامه این گزارش آمده است: "بررسی جدیدترین آمارهای ارائه‌شده از سوی وزارت کار درباره وضعیت شاغلان و بیکاران در خانوارهای معمولی کشور نشان‌دهنده آن است که... ۲۴/۱ درصد از خانوارها هیچ شاغلی ندارند... به‌دلیل بالا بودن هزینه‌های زندگی در برابر درآمد، درصد بالایی از خانوارهای تک‌شاغل [که یک عضو خانوار شاغل است] با مشکلات معیشتی مواجه‌اند... طبق آخرین سرشماری کشور، ۵ میلیون خانوار فاقد شاغل هستند که اگر تعداد هر خانواده را ۳ نفر نیز در نظر بگیریم، می‌توان گفت ۱۵ میلیون نفر از جمعیت کشور درحال حاضر بدون شغل هستند... بیکاری جوانان جویای کار به‌ویژه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی امروز از دغدغه‌های جدی و مسائل چالش‌برانگیز خانوارها و همچنین دولت به‌حساب می‌آید."

رشد نرخ بیکاری، به‌ویژه در میان جوانان و زنان، با اجرای سیاست‌های اقتصادی ضددرمی‌ای مانند آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی و انعطاف در بازار کار ارتباط مستقیم دارد. با رواج اقتصاد دلالی و غیرمولد و واردات سیل‌آسای محصولات خارجی به داخل کشور، بنیة تولیدی - صنعتی میهن ما لطمه‌هایی جدی دیده و همین امر در افزایش نرخ بیکاری تأثیر داشته است. علاوه بر این، برنامه خصوصی‌سازی عامل نابودی امنیت شغلی کارگران، کارمندان، پرستاران و آموزگاران سراسر کشور قلمداد می‌شود. فقط در بخش صنعت و کشاورزی اجرای برنامه هدفمندی یارانه‌ها طی ۲ سال اخیر، به رشد و ژرفش بیکاری ابعاد گسترده‌تری داده است. خبرگزاری مهر، ابتدای سال جاری، با انتشار گزارشی از نرخ بیکاری در میان زنان، نوشت: "نرخ بیکاری زنان زیر ۳۰ ساله کشور ۴۳ درصد است... بیکاری زنان ۲/۳ برابر مردان است."

درحالی‌که دولت روحانی مدعی است که با تدوین برنامه‌ی عملی معضل بیکاری - به‌ویژه بیکاری جوانان - را در آینده نزدیک حل خواهد کرد و شرایط را بهبود خواهد بخشید، آمارها نشان می‌دهند که، در آینده‌ی نزدیک با موج جدیدی از بیکاری مواجه خواهیم بود. خبرگزاری مهر، میانۀ اردیبهشت‌ماه، در این زمینه خاطرنشان کرده



اهرم دوم و بسیار مهم آمریکا و متحدان استراتژیکی اش (بریتانیا و فرانسه) که آن‌ها را در برابر چین و روسیه [در فضای مسئله هسته‌ای ایران] در موقعیتی بسیار برتر قرار می‌دهد. تصویب قطعنامه شماره ۱۹۲۹ (تیرماه ۱۳۸۹) شورای امنیت سازمان ملل متحد است که تحریم‌های وسیع اقتصادی بر ضد ایران وضع کرد. بسیار بعید می‌نماید که آمریکا مُت و مجانی این اهرم مؤثر بین‌المللی بسیار پر بها را بنا بر دستورهای دون کیشوت‌وار و پاره‌سرایانه خامنه‌ای [در کشیدن خط‌قرمزها] و مجلس شورای اسلامی اش [در لایحه صیانت از حقوق هسته‌ای ایران] از دست بدهد، زیرا در آینده برای وارد آوردن فشار بر جمهوری اسلامی می‌باید بار دیگر در جدال با چین و روسیه، تحریم‌هایی بر ضد ایران به‌رای شورای امنیت سازمان ملل گذاشته شوند.

کنگره آمریکا، ۱۸ تیرماه را ضرب‌الاجل تعیین شده برای دریافت طرح توافقنامه جامع هسته‌ای به‌منظور بازنگری آن تعیین کرده است. از این جهت، در صورت به‌تأخیر افتادن امضای توافقنامه هسته‌ای در روز ۹ تیرماه، دولت آمریکا انتشار علنی متن توافقنامه احتمالی با ایران را - که در بردارنده ضمیمه‌های فنی جامع آن نیز است - خواستار خواهد شد. علنی شدن کل متن توافق نامه هسته‌ای، چالشی بزرگ برای رژیم در مورد نحوه ارائه متن توافقنامه در افکار عمومی کشور ما به‌وجود خواهد آورد.

جناح‌های اصلی رقیب دولت روحانی به موقعیت بسیار ضعیف جمهوری اسلامی در روند مذاکرات با آمریکا به‌خوبی واقف‌اند، و از این روی، در عمل به‌ضرورت "ترمش قهرمانانه" ولی فقیه تمکین کرده و خواهند کرد. در این رابطه سخنان اخیر دو تن از به‌اصطلاح "تندروها" مخالف دولت روحانی جالب‌توجه‌اند. علی سعیدی، نماینده ولی فقیه در سپاه، می‌گوید: "رهبر به‌خاطر مصالح نظام مجبور به نرمش شد" و خطیب نماز جمعه، احمد خاتمی، که از مخالفان پرسروصدای دولت است، همراه با ابراز دلواپسی، می‌گوید: "مذاکره‌کنندگان هسته‌ای فرزندان این ملت هستند، این‌ها را زیر سؤال نبرند و آن‌ها را متهم به خیانت و امثالهم نکنند. این‌ها رزمنده جبهه دیپلماسی هستند." این جناح‌های رقیب دولت نیز در پی کسب وجهه‌هایی در افکار عمومی پیرامون امضای قرارداد هسته‌ای‌اند تا خود را در مقام مدافعان "حاکمیت ملی" نشان دهند و سهم اصلی امتیازهای سیاسی و اقتصادی برآمده از تعامل جمهوری اسلامی با آمریکا را به‌خود اختصاص دهند و یا حداقل بتوانند جریان اعتدال را از کسب این امتیازها محروم سازند. در این سهم‌خواهی‌ها، سپاه در حکم کانونی پر قدرت مطرح است که به کمتر از "سهم شیر" راضی نخواهد شد، و ریشه‌های کنش‌وواکنش‌ها و نزاع‌های جناحی با منافع اقتصادی - سیاسی - نظامی کلان سپاه مرتبط است، منافعی است که به هر صورت در "طرح خاورمیانه جدید" آمریکا برای منطقه می‌باید بازچینی شوند.

نمایش انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفندماه و مجلس خبرگان نیز از هم‌اکنون به عرصه نزاع و رویارویی‌هایی سنگین بین جناح‌های اصلی درون حاکمیت تبدیل شده است. هماهنگ کردن جدول زمانی اعلام پیروزی و "نجات کشور" به‌وسیله دولت اعتدال در مورد قبول و یا امضای توافقنامه هسته‌ای و هر حرکتی، حتی نمادین، در مورد تخفیف تحریم‌ها، مهم‌ترین هدف "کاروان اعتدال" است. و طرف مقابل درصدد خنثی کردن این برنامه بر خواهد آمد. حرکت‌های تبلیغاتی و سخنورانه و انشائونویسی‌ها درباره آزادی، و دادن وعده‌هایی که هیچ‌گونه "تغییر واقعی" به‌وسیله دولت حسن روحانی و در چارچوب "نظام" موجود را امکان‌پذیر نمی‌سازند، از هم‌اکنون آغاز شده‌اند. این در حالی است که دولت اعتدال در دو سالی که از عمرش گذشته نتوانسته است در عمل به هیچ‌یک از وعده‌هایش در کارزار انتخابات ۱۳۹۲ جامه عمل بپوشاند و رئیس این دولت، حسن روحانی، به این اکتفا کرده است که بگوید "قول‌ها را فراموش نکرده است". مسئول این وضعیت خسارت‌بار در کشور ما علی خامنه‌ای است، یعنی کسی که، همواره از تمجید و تلهیر "کاروان اعتدال" نیز برخوردار بوده است. برای مثال، حسن عراقچی، مسئول ارشد در گروه مذاکره‌کننده، در پیامی در شبکه اجتماعی [اینستاگرام] و در واکنش به سخنان ضدونقیض خامنه‌ای (در ۲ تیرماه)،

ادامه نزاع‌های جناحی ...

شدند، اما این هم حقیقت دارد که آن‌ها [جناح‌های قدرت]، بر اساس عملکرد گذشته و مکررشان، اجازه نخواهند داد "کاروان اعتدال" از طریق امضای توافقنامه هسته‌ای و تبلیغات پوپولیستی پیرامون "نجات کشور"، خود را در مقام گروه‌بندی‌ای قدرتمند در موضع فرادستی سیاسی و اقتصادی قرار دهد. بنابر رفسنجانی و جریان‌هایی مانند حزب اعتدال و توسعه و کارگزاران سازندگی و همین‌طور بخش‌هایی از اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان از جمله جریان‌هایی‌اند که گروه‌بندی "اعتدال‌گرایی" پیرامون دولت روحانی را شکل می‌دهند. در شرایط مشخص کنونی، هدف منتقدان و رقیب‌های دولت جلوگیری کردن از امکان دست‌بالا پیدا کردن گروه‌بندی اعتدال‌گرا و کسب مرتبه جناحی با قدرت تعیین‌کننده، و بنابراین، تصاحب‌کننده احتمالی سهم اساسی در تقسیم "غنایم" است. طیف جناح‌های رقیب و یا منتقدان دولت روحانی - که به‌صورتی حساب‌شده با لقب "تندروها" معرفی می‌شوند و با نگاهی ساده‌گرایانه در جرگه "مخالفین مذاکرات هسته‌ای" قرار داده می‌شوند - برخلاف اعتراض‌های پرسروصدای شان به روند تعامل جمهوری اسلامی با آمریکا، به‌خوبی می‌دانند که امضای توافقنامه نهایی [جامع] هسته‌ای هم در راستای منافع گروهی‌شان و هم برای "بقای نظام"، امری گریزناپذیر است. از این روی، جناح‌های رقیب دولت، با اشکال‌تراشی و سنگ‌اندازی‌هایی در روند مذاکرات و به‌موازات اظهارنظرهای تاکتیکی حساب‌شده سه‌شنبه ۲ تیرماه علی خامنه‌ای، در پی هدایت تحول‌های سیاسی آینده پیرامون نحوه و زمان‌بندی امضای توافقنامه هسته‌ای‌اند.

مانورهای علی خامنه‌ای و رقیب‌های دولت ممکن است امضای توافقنامه نهایی را چند روزی با تأخیر روبه‌رو کند و یا نحوه ارائه آن در سطح افکار عمومی را تحت تأثیر نزاع‌های جناحی و به‌ویژه به‌هدف جلوگیری از نضج‌گیری و قدرت‌افزایی "جناح اعتدال" دستخوش تأخیرهای موقت کنند. اما برخلاف مدعیات و دیگته کردن خط قرمزهای بدون پشتوانه اخیر علی خامنه‌ای (۲ تیرماه)، فرایند کلان چگونگی تعلیق یا برداشتن تحریم‌ها بنا بر اراده و منافع کشورهای امپریالیستی و در رأس آن‌ها آمریکا است. شرط‌ها و امتیازخواهی‌های مورد نظر آمریکا در مذاکرات، از مسئله‌های فناوری هسته‌ای و نحوه بازرسی اژانس انرژی اتمی از مراکز نظامی فراتر است، و چنین مسئله‌هایی مهم اما فرعی و حل‌شدنی‌اند. نقش جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه و چگونگی پیوند اقتصاد ایران با الگوی اقتصادی مورد نظر و حمایت‌ایالات متحده، و اینکه کدام جناح‌ها سهم اصلی از ثروت‌های کلان برآمده از این پیوند را خواهند برد، همواره مسئله اساسی و چالش‌برانگیز در مذاکرات بین رژیم ولایی با آمریکا و متحدان استراتژیکی اش بوده است، مسئله اساسی‌ای که هم‌اکنون پیامدهای بفرنج آن را پشت پرده دود مذاکرات هسته‌ای و در کنش‌وواکنش‌های رقابت‌آمیز بین جناح‌ها می‌توان مشاهده کرد.

بنابراین، یک عامل بسیار مهم تعیین‌کننده در روند شکل‌گیری تحول‌های سیاسی در درون کشور، برآمده از بُعدهای بین‌المللی چگونگی و ضرورت امضای توافقنامه هسته‌ای در بطن نقش جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه است. در این عرصه، دولت اوپاما دو اهرم بسیار مؤثر در دست دارد، و تا به حال، به‌وسیله این اهرم‌ها، توانسته است تحول‌های کلیدی‌ای را با موفقیت مدیریت کند، و بنابراین، این اهرم‌ها را بدون به‌چنگ آوردن امتیازهایی کلیدی رها نخواهد کرد: اهرم نخست اینکه، دولت اوپاما از موضع بسیار قدرتمند برخوردار بودن از تسلط اقتصادی [و وزارت دارایی‌ای با توان بلوکه کردن دارایی دیگر کشورها] و دستگاه قضایی‌ای پرنفوذ در سطح بین‌المللی، تحریم‌های مالی و بانکی‌ای بسیار مؤثر - به‌خصوص با مسدود کردن راه انتقال میلیاردها دلار درآمد نفتی جمهوری اسلامی به ایران و بستن جریمه‌هایی سنگین (میلیارد دلاری) به بانک‌ها و کمپانی‌ها در اکثر کشورهای جهان در صورت رعایت نکردن تحریم‌ها - بر اقتصاد وابسته و تک‌محصولی [نفت خام] و به‌شدت وارداتی کشورمان تحمیل کرد و توانست این اقتصاد را عملاً به‌گروگان بگیرد.



سوپا اطمینانی عمل کند، بلکه با اجرای نسخه‌های خشن تعدیل اقتصادی و سرکوب اعتراض‌های صنفی، خود در حکم عامل تداوم "اقتصاد سیاسی" بغایت ناعادلانه کنونی عمل می‌کند و بر شدت اعتراض‌های مردم می‌افزاید. مسلماً در چندماه آینده ویترونی‌ترین شده با وعده‌هایی پیرامون موضوع‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از سوی دولت به مردم عرضه خواهد شد، وعده‌هایی مشروط شده به اجرای توافقنامه جامع هسته‌ای. جناح‌های رقیب دولت نیز با مطرح کردن مسئله‌هایی فرعی، و تظاهر به استکبارستیزی، دفاع از ارزش‌های انقلابی، امام، و جزاین‌ها، بازار شعار و قول و وعده‌و وعده‌ها را داغ‌تر خواهند کرد. واقعیت این است که، تابه‌حال دولت اعتدال نتوانسته است "تغییر واقعی" ای را به‌وجود آورد، و در افق پیش‌بینی‌شدنی‌ای هم نمی‌توان عرصه‌یی یافت که دولت و شخص روحانی بتوانند یا بخواهند - به نفع مردم "تغییر" تعیین‌کننده در آن به‌وجود آورند. رقبای دولت - از اصول‌گرا گرفته تا جبهه‌پایداری - نیز کارنامه‌یی سیاه نزد مردم دارند. بنابراین، نمایش انتخابات آتی مجلس جز جابه‌جایی مهره‌ها، در اساس نمی‌تواند نتیجه مهم‌تری به‌دست آورد. البته شرایط و تحولات در چندماه آینده این امکان را می‌تواند به‌وجود آورد تا بتوان در این بازار داغ و پرخنده‌ی وعده‌های بی‌پشتوانه جناح‌های رژیم - با بسیج جنبش مردمی به‌منظور گسترده بحث‌هایی عمده در کارزار انتخاباتی مجلس دهم - روی راستی‌آزمایی شعارها و وعده‌های دولت و جناح‌های رقیبش تمرکز کرد، و نشان داد که هیچ‌یک از طرف‌های دعوا [دولت و رقیب‌هایش] برای به‌وجود آوردن "تغییر واقعی" به نفع مردم و یا دفاع از منافع ملی به اقدامی مؤثر دست نخواهند زد. عملی کردن این امر مهم مستلزم حرکت متحد نیروهای آزادی‌خواه، عدالت‌طلب، و ملی است.

در این ارتباط، "اصلاح‌طلبان مبارز" که هنوز بر موضع‌گیری‌ها و خواست‌های مردمی جنبش سبز استوار مانده‌اند، یعنی آنانی که کاروان اعتدال‌گرایی و اصلاح‌طلبان مطیع همصدا با مجموع دستگاه حاکمیت "قنچه‌گر" و "رادیکال" شان می‌نامند، اما در نزد قشرهای گوناگون مردم معتبرند، می‌توانند و می‌باید در مقام نیروی اصلی بسیج‌کننده مردم در راستای مبارزه برای گذر از دیکتاتوری به مرحله دموکراتیک، عمل کنند. اتحاد در برابر رژیم ولایت‌فقیه، در عرصه ملی و برای برقراری دموکراسی و برپایی عدالت اجتماعی، حرکتی است تاریخ‌ساز.

ادامه رویدادهای ایران ...

بود: "آزیر بیکاری به‌صدا درآمد، به‌زودی بازار کار کشور با موج ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار نفری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی مواجه خواهد شد، بنابراین باید در این زمینه تصمیمات فوری گرفته شود... وزیر کار از اعطای اعتباری به مبلغ ۴ هزار میلیارد تومان برای ایجاد اشتغال در کشور ابراز امیدواری کرد." این مبلغ کلان البته باتوجه به اجرای فاز سوم هدفمندی یارانه‌ها، در اختیار بخش خصوصی قرار می‌گیرد تا به‌اصطلاح برنامه‌های اشتغال‌زایی دولت را به‌پیش ببرد.

اسحاق جهانگیری، معاون رئیس‌جمهور، در دیدار با نمایندگان اتاق بازرگانی، به‌صراحت بخش خصوصی و فعالیت‌های آن را عامل حل معضل بیکاری نامیده بود. با داشتن چنین برنامه‌هایی، بی‌شک نرخ بیکاری کاهش محسوس و مؤثری نخواهد یافت. حل مشکل بیکاری در گرو تغییر سیاست‌های اقتصادی و نقطه پایان نهادن بر اجرای دستورهای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است!

ادامه نزاع‌های جناحی ...

می‌نویسد: "زبان از تشکر قاصر است [!]."

چنان که در تحلیل‌های حزب ما در بیش از دو دهه گذشته به‌صورتی منسجم نشان داده شده‌اند و تجربه عملی نیز آن‌ها را تأیید می‌کند، این واقعیت عینی است که: در چارچوب حکومت ولایت‌فقیه اجرای رفورم‌هایی که بتوانند به "تغییر واقعی" در راستای دموکراسی و برپایی مبانی عدالت اجتماعی منجر گردند، امکان‌ناپذیر است. اینکه حسن روحانی و هواداران "کاروان اعتدال" برآورده شدن وعده‌ها را دائماً به مرحله‌های بعدی‌ای مانند امضای توافقنامه هسته‌ای و یا انتخابات مجلس حواله می‌کنند، چیزی جز "وعده سر خرمن" نیست و هیچ‌گاه نیز به‌طور "واقعی" در مسیر منافع ملی و قشرهای زحمتکش و تولیدکنندگان (اکثریت مردم) عملی نخواهند شد، زیرا دستگاه ولایت نه‌تنها نخستین روزه‌های فرایند "تغییرهای واقعی" را مسدود خواهد کرد، بلکه همان‌طور که پیش‌تر در این نوشتار نشان داده شد، جناح‌های رقیب در دولت ولی‌فقیه خامنه‌ای اجازه نخواهند داد جریان‌های متصل به‌اعتدال‌گرایی به عملی قدرتمند و نیرویی تعیین‌کننده در حیات رژیم تبدیل شوند. از همه این‌ها گذشته، به این سؤال‌های اساسی درباره دولت حسین روحانی می‌باید جواب داد: آیا عناصر تشکیل‌دهنده دولت تدبیر و امید واقعاً خواهان به‌وجود آوردن "تغییر" اند؟ و آیا واقعاً خواست یا اراده به‌وجود آوردن تغییر را دارند؟ آیا سرانجام حسن روحانی حاضر خواهد بود به نفع مردم در برابر حاکمیت، یعنی ولی‌فقیه، بایستد، همان‌گونه که رهبران در حصر جنبش سبز ایستاده‌اند؟ هر انسان فکور و صادقی می‌داند که جواب به این سؤال‌ها منفی است. شایسته یادآوری است که دو سال پیش، رهبران و هواداران کاروان اعتدال به مردم می‌گفتند: سطح انتظارات و خواست‌ها از دولت یازدهم را می‌باید پایین آورد! حالا فشار و اعتراض از پایین به بالا - یعنی از متن جامعه - آن قدر روبه افزایش است که اکنون دیگر کسی این نوع شارلاتان‌بازی و لفاظی سیاسی در مورد خواست‌های مردم را نمی‌تواند بر زبان آورد، هرچند سخنوری درباره وعده‌های سر خرمن جای آن را گرفته است که خود به نوع جدیدی از به‌بازی گرفتن افکار عمومی تبدیل شده است. برای مثال، یک روز حسن روحانی در مورد آزادی انتخابات می‌گوید: "صندوق رأی نیز باید صندوقی پلاستیکی و شفاف باشد تا همه آرای درون صندوق را از دور ببینند." و در جای دیگر، درباره بحران فراگیر محیط‌زیست در کشور، حل آن را به رفع تحریم‌ها و امضای توافقنامه [جامع] هسته‌ای موکل می‌کند! روز دیگر هم مسئله آزادی ورود زنان به سالن مسابقه‌های والیبال رسانده می‌شود و در جامعه بازتاب می‌یابد و سخنگوی دولت می‌گوید: "با راهپیمایی علیه حضور زنان در ورزشگاه‌ها برخورد می‌شود." روزی دیگر، لوله تپانچه هراس را بر شقیقه مردم می‌گذارند و بازگشت باند احمدی‌نژاد با بزرگنمایی همچون هیولایی در برابر مردم علم می‌شود و با بازداشت حمید بقایی، معاون احمدی‌نژاد، و حکم ۱۰ سال زندان برای فرزند هاشمی رفسنجانی با عنوان مبارزه با فساد، با تبلیغاتی پرسروصدا مطرح می‌شوند. جالب اینکه، سخنگوی قوه قضایی (محسنی اژه‌ای) شکایت می‌کند: "قوه قضائیه زیر فشار دانه‌درشت‌ها قرار دارد [!]. مطلب از این قرار است که، مبارزه با فساد و اختلاس در کشور ما نمایش تازه بر صحنه آمده‌ای نیست، بلکه همواره از ابزارهای شناخته‌شده در رقابت‌های جناحی در زیر سایه رژیم ولایتی بوده است. در دوره بر سر کار بودن ویرانگر احمدی‌نژاد هم، همراه با "بگم بگم" های رئیس‌جمهور مطلوب طبع علی خامنه‌ای نیز، هزارچندگاه‌های طبل مبارزه با فساد به‌صدا درمی‌آمد. این بار نیز افشا شدن فسادهای مالی از سطح نزاع‌های جناحی فراتر نخواهد رفت، و بر دامن کبریایی ارکان اصلی حکومت، بهره‌مند از فساد و اختلاس، گردی نخواهد نشست، زیرا "اقتصاد سیاسی" کشور ما بافته‌ی از رشته‌های منافع اقتصادی کلان جناح‌های قدرت است که در پیوندی ارگانیک با یکدیگر در هم تنیده شده‌اند. واقعیت انکارناپذیر این است که، جامعه ما خواهان "تغییرهای واقعی" است و حرکت‌های وسیع اعتراضی جنبش سبز در ۱۳۸۸ به کودتای انتخاباتی، خواست کاملاً مشهود مردم برای گذر از دیکتاتوری ولایتی بود، و هنوز هم همچون آتشی زیر خاکستر، تمامی جناح‌های درون رژیم ولایت‌فقیه را از شعله‌ور شدنش به‌هراس می‌اندازد. پذیرش ظهور پدیده‌یی به نام "اعتدال" و حسن روحانی با مهندسی انتخابات ۱۳۹۲، در راستای حل موقتی بحران و جلوگیری از گسترش خواست‌های مردم در سطح جامعه بود. اینک، دو سال پس از بر سر کار آمدن دولت "تدبیر و امید"، بار دیگر اعتراض‌ها و خواست‌های اقتصادی و صنفی قشرهای گونه‌گون زحمتکش - به‌سبب وارد آمدن فشار کمرشکن اقتصادی بر آن‌ها - در حال گسترش در سطح جامعه است، و پدیده دولت اعتدال در این شرایط نه‌تنها نمی‌تواند همچون



Photo: Sajad Padash

Fars News Agency

دور تازه جنگ روانی - تبلیغاتی ارگان های امنیتی رژیم بر ضد حزب توده ایران

“یورش سراسری رژیم، به دستور مستقیم خمینی و دیگر سران رژیم، و همیاری دستگاه‌های امنیتی و جاسوسی غرب، پاکستان، ترکیه و اسرائیل، به هدف نابودی و ریشه‌کنی حزب توده ایران و همچنین نابودی اندیشه‌های اصیل چپ در جامعه ما، که ارتجاع آن را مخالف جدی و خطرناک خود می‌دانست، صورت گرفت... یورش تبلیغاتی گسترده رژیم بر ضد حزب توده ایران، از طریق پوشش رسانه‌ای شوهای تلویزیونی قربانیان شکنجه، و شرکت چند تن از اعضای رهبری وقت حزب در جریان دادگاه افسران توده‌ای، در کنار دادستان بی‌داده‌های انقلاب، و همچنین فعالیت‌های وسیع و چندگانه ارگان‌های امنیتی رژیم برای پراکندن جو بی‌اعتمادی، سوءظن، و جلوگیری از ادامه فعالیت‌های حزب توده ایران، در داخل و خارج از کشور، بخشی از هدف‌های استراتژیک رژیم برای فلج کردن باقی‌مانده حزب ما و کشاندن آن به سمت چندپارگی، و درعین حال، متزلزل کردن پایه‌های اعتقادی و بی‌اعتبار کردن تاریخ مبارزه‌های حزب توده ایران، در مقام قدیمی‌ترین سازمان سیاسی و انقلابی میهن ما بود. از سرگیری فعالیت حزب توده ایران پس از وقفه‌ی کوتاه، که موسوی اردبیلی، رئیس وقت قوه قضائیه کشور، با اذعان به ریشه‌های عمیق حزب ما در جامعه ایران، به آن اعتراف کرد، و سپس برگزاری “پلنوم ۱۸” کمیته مرکزی حزب توده ایران، در آذرماه ۱۳۶۲، انتخاب کمیته مرکزی و هیئت سیاسی جدید حزب، نشانگر شکست اقدام رژیم استبدادی برای ریشه‌کنی حزب ما بود... بدیهی است که این موفقیت‌های حزب ما نمی‌توانست با بی‌اعتنایی ارگان‌های سرکوب و رهبران رژیم ولایت‌فقیه که برای نابودی حزب توده ایران امکان‌های گسترده‌ای را به میدان آورده بودند، روبه‌رو گردد. تاریخ‌اندیشان حاکم، با درک خطر جدی ادامه یافتن فعالیت‌های منسجم حزب و مقبولیت سیاست‌های درست و علمی آن می‌توانست منافع آنان را تهدید کند، دور تازه‌ای از کارزار تبلیغاتی را به‌منظور فلج کردن، و درنهایت، نابودی حزب توده ایران آغاز کردند...”

[برگرفته از سند مصوب ششمین کنگره حزب توده ایران، به‌نقل از “نامه مردم”، شماره ۹۱۵، دوشنبه ۷ اسفندماه ۱۳۹۱].

خبرگزاری فارس، وابسته به سپاه پاسداران رژیم ولایت‌فقیه، در ماه‌های اخیر، کارزار گسترده جدیدی از جنگ روانی - تبلیغاتی بر ضد حزب توده ایران آغاز کرده است که تأملی هرچند کوتاه بر آن را ضروری می‌دانیم.

نخستین مرحله این یورش جدید، انتشار مطلب دنباله‌داری با عنوان: “پرونده ویژه مرگ یک آیدئولوژی” بود که به‌مناسبت سی و دومین سالگرد “انحلال حزب” و با عنوان‌هایی همچون: “ضربه اطلاعات سپاه به شعبه سیاسی ک.گ.ب در ایران”، “فروپاشی ستون پنجم ۱۰ هزار نفری روس‌ها در ایران”، و جزاین‌ها، تنظیم گردیده بود. هدف اساسی این سریال دنباله‌دار، همچون شوهای تلویزیونی‌ای که از قربانیان شکنجه به‌نمایش گذاشته شد و سپس کتاب‌هایی قطور از اسناد “مراکز تحقیقاتی” و “خاطرات”‌ها منتشر گردید، به‌اثبات رساندن وابستگی حزب به شوروی و “جاسوسی” حزب برای شوروی، تلاش حزب برای سازمان‌دهی “کودتا”، و درعین حال، قدر قدرت نشان دادن دستگاه اطلاعاتی سپاه در نابودی حزب توده ایران بود. این سریال خبرگزاری فارس، و ترات نظریه‌پردازان سپاه، در بخش‌های عمده‌اش بر اساس نوشته‌های محمدمهدی پرتوی، عضو سابق حزب و همکار صمیمی کنونی دستگاه‌های امنیتی رژیم، تنظیم شده بود.

بی‌اعتباری و کم اثر بودن این مجموعه، و تکرار ادعاهایی که تاکنون دروغ بودن آن‌ها نه‌تنها با تکیه به سندهای افشاشده و گزارش‌های بیرون آمده از زندان‌های رژیم ثابت شدند بلکه به‌شهادت شماری از رهبران وقت حکومت جمهوری اسلامی نیز بی‌اعتبار اعلام گردیدند، خبرگزاری فارس را برآن داشت تا برای تکمیل کار به همکار امنیتی‌اش، یعنی پرتوی، رجوع کند و مصاحبه ۴ ساعته‌ای را هم با “رئیس تشکیلات مخفی حزب توده” تنظیم و منتشر کند.

در بررسی آنچه تاکنون خبرگزاری فارس در مصاحبه با پرتوی منتشر کرده است نکته‌های ظریف و جالبی دیده می‌شوند که باید به آن‌ها توجه کرد. پرتوی در این مصاحبه تلاش می‌کند تا هدف‌های مشخصی را که دستگاه‌های اطلاعاتی سپاه در ادامه تلاش‌های‌شان در ضربه زدن و نابود کردن حزب توده ایران دنبال می‌کنند، به‌پیش ببرد. خلاصه هدف‌های مزدور دستگاه‌های اطلاعاتی سپاه و “مصاحبه‌کنندگان” با او را ازجمله در عنوان‌های زیر می‌توان خلاصه کرد:

- ◆ اثبات وابستگی حزب توده ایران به شوروی‌ها و جاسوسی حزب برای آن‌ها.
- ◆ “فاجعه‌بار بودن” اندیشه‌های مارکسیستی در سراسر جهان و درعین حال برای فعالیت‌های حزب در ایران.
- ◆ تسلیم دواطلبانه رهبران و نظریه‌پردازان حزب به “اندیشه‌های برتر اسلامی”!
- ◆ همکاری رهبری حزب (پیش از حمله رژیم به حزب) با دستگاه‌های امنیتی رژیم.
- ◆ پنهان نگه‌داشتن این حقیقت که، پرتوی و اندک‌شمار افرادی دیگر از نزدیکانش از بهره‌ی بی‌بعد با دستگاه‌های امنیتی رژیم همکاری می‌کردند.

اثبات وابستگی حزب توده ایران به شوروی‌ها و جاسوسی حزب برای آن‌ها

در طول بیش از هفت دهه حیات حزب توده ایران، سازمان‌های امنیت رژیم شاه و خمینی و خامنه‌ای و دستگاه‌های امنیتی کشورهای امپریالیستی همواره تلاش کرده‌اند و همچنان تلاش می‌کنند تا ثابت کنند که حزب‌های کارگری و کمونیستی جهان - ازجمله حزب ما - “سازمان سیاسی ک.گ.ب” در کشورهای خود بوده‌اند. دروغ بودن این چنین ادعاهایی سال‌هاست که روشن شده است.

جالب است اشاره کنیم که در پی فروپاشی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی در اروپای شرقی، دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای غربی تمامی اسناد ک.گ.ب و دیگر سازمان‌های مشابه را برای یافتن سندهای “وابستگی” و “جاسوسی” حزب‌های کمونیستی جهان زیرورو کردند و نتیجه‌اش روسیاهی تاریخی آن‌ها و ثابت شدن دروغ بودن ادعاهای‌شان بود. برای نمونه، تنها “سندی” که جمهوری اسلامی توانست از سازمان‌های امنیتی غرب قرض بگیرد - که در روزنامه‌های آن روز ایران نیز به چاپ رسید - نامه انسان‌دوستانه رفیق خاوری به حزب کمونیست اتحاد شوروی بود که در آن از رفقای حزب برادر خواسته بود برای ادامه مبارزه با استبداد و سرکوب، به مبارزان راه آزادی در ایران اجازه عبور از مرزهای کشورش را بدهد.

پرتوی، برای اثبات ادعای دستگاه‌های اطلاعاتی سپاه در مورد “جاسوسی” حزب - یعنی همان کاری که او تلاش کرد در دادگاه‌های نظامی‌ها و افسران رشید توده‌ای با نشستن در کنار دادستان و قاضی بی‌داده‌های رژیم انجام دهد - مطالبی را درباره “جاسوسی” افسران توده‌ای مطرح می‌کند که پاسخ آن‌ها را رفقای قهرمان ما قبلاً در جریان “دادگاه‌های‌شان” به افرادی نظیر او داده بودند.

رفیق قهرمان، ناخدا بهرام افضلی، درباره اتهام جاسوسی، در بی‌داده رژیم به‌ریاست ری شهری، با شجاعت می‌گوید: “من در تمام طول فعالیتیم در سازمان حزب اطلاعات نظامی که قابل استفاده و بهره‌برداری در امر جاسوسی یا براندازی باشد به حزب ندادم. نه پادگانی، نه نقشه‌ای و نه طرحی، چه عملیاتی و چه لجستیکی چیزی به حزب ندادم. آنچه بیشتر مطرح می‌شد جنبه کلی تحلیلی از نظر مسائل سیاسی داشت...”

ادامه دور تازه جنگ روانی - تبلیغاتی...

همین جلسه، ری شهری جنایتکار، با اشاره به سخنان رفیق قهرمان افضلی در مورد ندادن اطلاعات [نظامی] به حزب، از رفیق افضلی می پرسد: "ایا شوروی این اطلاعات را از شما خواست و ندادید و یا اینکه نخواست و شما ندادید. ... رفیق افضلی در همان جا باز تکرار می کند که، ارتباط او با حزب [از] نوع ارتباط سازمانی و تشکیلاتی بود و نه نوع دیگری [نگاه کنید به: جزوه "چرا امپریالیسم و ارتجاع از حزب توده ایران وحشت دارند"، صفحه های ۳۰، ۳۱، ۳۲]."

در مورد ادعای واهی تلاش حزب برای سازمان دهی "کودتایی" با همکاری شوروی ها- که مزدوران جمهوری اسلامی آن را برای حمله به حزب ما بهانه کردند- مهندس میرحسین موسوی، در مصاحبه ای با مجله "حوزه" (شماره های ۳۷ و ۳۸، فروردین - تیرماه ۱۳۶۹) از جمله درباره مدعیات دستگاه های اطلاعاتی سپاه، می گوید: "در جریان حزب توده، به ما تلفن زده شد که: حزب توده، توطئه وسیعی را پی ریخته و مسئله چنین مطرح بود که ظرف ۴۸ ساعت یا ۲۴ ساعت ممکن است اتفاقاتی بیفتد. ما تلفن کردیم به برادرمان جناب هاشمی رفسنجانی و مسئله با بقیه مسئولین بالای مملکتی مطرح شد. گویا حضرت آیت الله خامنه ای با آیت الله موسوی اردبیلی آن وقت تشریف نداشتند. بالاخره فوراً خدمت امام رفتم. برادران اطلاعات مسئله را گزارش دادند. حضرت امام با دقت مسئله را گوش دادند. سپس تحلیلی در ظرف چند دقیقه از روند حرکت شرق و غرب ارائه کردند و فرمودند: این اطلاعات کاملاً نادرست است. هیچ مسئله ای پیش نخواهد آمد. اصرار شد که آقا چنین نیست خود آنان اعتراف کرده اند. ایشان فرمودند: من نمی گویم مواظب نباشید و تحقیق نکنید ولی بدانید این مسائل و اطلاعات دروغ است. بعد هم تحلیل حضرت امام، درست درآمد و نظر ایشان ثابت شد."

"فاجعه بار بودن" اندیشه های مارکسیستی در سراسر جهان و در عین حال برای فعالیت های حزب در ایران

نکته دیگری که در گفت و گوی پرتوی به چشم می خورد این است که، پرتوی مدعی می شود: "حقیقت این است که اگر بخواهیم مسئله را کمی عمومی تر از جریان حزب توده ببینیم، اصولاً تمام ایدئولوژی های جزمی و مطلق گرا، حتماً کارشان به فاجعه می کشد. هر جریان و نحله ای که باشد. نمونه بارز آن ایدئولوژی ای است که به عنوان مارکسیسم مطرح شد و در همه جا شکست خورد و فاجعه به بار آورد. نظیر آنچه در شوروی و کشورهای دیگر گذشت. این موضوع مختص به ما نبوده و مبتلابه تمامی کشورهای جهان سوم است، البته ما ویژگی خاصی هم داشتیم و آن هم مرز بودن با شوروی است که باعث شد ما یکی از وابسته ترین سازمان های چپ را داشته باشیم. ..."

در پاسخ به اظهارات پرتوی باید گفت که، اندیشه های مارکس و نیز ادامه دهندگان راه او، جهان ما را در سده اخیر به کلی دگرگون کرد. بسیاری از دستاوردهای علمی و اجتماعی بشر در سده اخیر، مرهون اندیشه ها و مبارزه کمونیست ها در سراسر جهان است. حرکت به سمت برابری زن با مرد، حق رای برای زنان، بسیاری از حقوق اجتماعی ای که امروز از سوی دولت های سرمایه داری مورد تهاجم قرار گرفته اند، از جمله حق تحصیل و بهداشت رایگان و همچنین ساختار تأمین اجتماعی و حقوقی ای که کارگران و زحمتکشان در سراسر جهان به آن دست یافته اند، دستاوردهای انکارناپذیر مبارزه کمونیست ها در سراسر جهان است. این موضوع که تجربه بنا کردن نخستین نظام اجتماعی - اقتصادی نوین جهان بر اساس نظریه های مارکسیست ها در جهان، به دلیل تهاجم عظیم و قطع ناشدنی اقتصادی - نظامی کشورهای امپریالیستی و همچنین وجود برخی کاستی های ساختاری در آن، با موفقیت همراه نبود - برخلاف نظریه پرتوی و دیگر مجیزگویان ساختار ضدانسانی سرمایه داری - نه تنها "پایان تاریخ" نیست، بلکه کسب نخستین تجربه ها در راه درازی است که سرانجامش پیروزی اندیشه های نو بر اندیشه های پوسیده طرفداران رنگارنگ سرمایه داری است. شکست انقلاب کبیر فرانسه و پیروزی موقت بناپارتیسم نیز توانست سد راه تحول های تاریخی در اروپا و مانع حرکت جامعه بشری از نظام فنودالی به نظام سرمایه داری شود.

اما درباره نقش و فعالیت حزب توده ایران در هفتاد و اندی سال گذشته در میهن ما، باید گفت کمتر حرکت و تحول مترقی اجتماعی و اقتصادی ای را

در جامعه ما می توان سراغ کرد که منشأ آن توده های نوین باشد.

انتشار صدها کتاب و جزوه علمی، نشریه و مجله های پرمحتوای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، نشر گسترده اندیشه های دوران ساز در جامعه، سازمان دهی سندیکاهای کارگری و دهقانی، سازمان دهی فعالیت های صنفی دانشجویی و برپایی تشکل های پیشرو در مسیر رهایی زنان میهن مان از چنگال های پلشت واپس گرایی، ستیم جنسیتی و طبقاتی، طرح برنامه های انقلابی و مبارزه در راه به رسمیت شناخته شدن حقوق کارگران و تصویب قانون کار، مبارزه برای عملی شدن اصلاحات ارضی به نفع دهقانان، بهره مند شدن زنان از حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، بهداشت و آموزش رایگان برای همه، تقسیم عادلانه ثروت و تحقق عدالت اجتماعی، تحقق حق خودمختاری در چارچوب ایرانی آزاد، برای همه خلق های کشور و آزادی فعالیت حزب ها و جمعیت های صنفی [فرهنگی و هنری]، از جمله نظرها و فعالیت های دوران سازی بودند که برای نخستین بار از سوی حزب توده ایران در کشور ما مطرح شدند، و با استقبال گسترده ترین قشرهای جامعه روبه رو شدند و در راه تحقق آن ها هزاران توده ای و نیز نیروهای مترقی مبارزه ای متشکل را سازمان دهی کردند.

اتفاقاً هراس از حزب و ادامه دادن به تلاش های مذبوحانه ای از سنخ مصاحبه با عنصرهای مزدور به منظور بدنام کردن حزب توده ایران به دلیل همین تأثیرهای ژرف و دوران ساز در میهن ما و، در نتیجه آن ها، به وجود آمدن تحول ها و روشن بینی هایی در جامعه بوده است که از بابت آن رژیم ولایت فقیه خود را در معرض تهدید احساس کرده و می کند.

نکته دیگری اینکه، کسی مدعی جزمی و مطلق گرا بودن اندیشه های مارکسیستی می شود که به گفته خودش، در زندان با دیدن "عظوفت" و "آگاهی" از "برادران پاسدار" لابد به حقانیت دیدگاه های نظری رژیم ولایت فقیه که تلاش می کند ایران را به هزاران سال پیش پس براند، پی برده است و برایش روشن شده است که نظرهایی که پایه های فکری گروه های جنایتکاری همچون داعش را شکل می دهند - و از سوی بسیاری از رهبران رژیم و نیز از تربیون های نماز جمعه مرتب تکرار می شوند - راه نجات بشریت از "جزم گرایی" و رسیدن به مدینه فاضله است.

تسلیم داوطلبانه رهبران و نظریه پردازان حزب به "اندیشه های برتر اسلامی"!

پرتوی در این مصاحبه طولانی، ضمن سخنانی ضدونقیض درباره شرایط زندان، از جمله تلاش می کند تا این نظر را القا کند که رهبری حزب، از جمله و به خصوص رفیق زنده یاد احسان طبری، بدون وارد آوردن کمترین فشار بر او و یا شکنجه شدن، با قرار گرفتن در مقابل نظریه برتر "برادران پاسدار"، تسلیم شدند و هرچه را از آنان خواستند بیان کردند. نه شکنجه ای در کار بود و نه درهم شکستن غیرانسانی افرادی که سال های طولانی عمرشان را در خدمت به مسیر بهبود زندگی مردم این مرزوبوم در سیاه چال های رژیم شاه گذرانده بودند. امروز آن چنان سندهای پرشمار در زمینه شکنجه های وحشیانه از سوی مزدوران امنیتی رژیم نه تنها در مورد توده ای ها، بلکه درباره تمامی زندانیان سیاسی - عقیدتی، و حتی در مورد کسانی که زمانی از همراهان حکومت جمهوری اسلامی بوده اند، منتشر شده است که ادعاهای مسخره پرتوی را هیچ کس - حتی شماری از سران امروزی رژیم هم - باور ندارند.

بر اساس اطلاعات موثق رفیق طبری در همان هفته های اول اسارت و بر اثر شکنجه های غیر انسانی و فشار چهنمی برای اعتراف دو بار سکنه مغزی می کند و از آن برهه تا لحظه مرگ خود، در اسارت رژیم، در شرایطی فکری برای تهیه هیچگونه کار تئوریک و نظریه پردازی نبوده است. او حتی قادر به ارائه مطلب تهیه شده از سوی مقامات امنیتی در برنامه تلویزیونی نبوده و در همان مصاحبه های کذاب اظهار داشت که به دلیل سکنه مغزی مجبور است متن نوشته شده ای را بخواند.

چگونه کسی با عقل سلیم می تواند باور کند که انسان هایی فرهیخته با نبوهه ای از آفرینش علمی و نظری، که نمونه شان در تاریخ معاصر میهن ما کمیاب است، از آن اوج به حسیض "کژ راه" سقوط کنند و اعتقادهای قوام یافته در عمری زندگی و تلاش شان را نفی کنند؟ نفی "گالیله وار" واقعیت ها، تنها ثمره اش ننگ تاریخی بر پیشانی شکنجه گران و آمران شکنجه ها است که بنیادهای نظری و اعتقادی شان آن چنان پوک و بی پایه است که برای پوشاندن سفلگی شان جز درهم شکستن شخصیت تاریخی انسان های بزرگ چاره ای نمی دیدند و نمی بینند. به قول زنده یاد رفیق شهید فرج الله میزانی (جوانشیر)، در مقدمه کتاب "تجربه" ۲۸ مرداد: "با تاریخ معاصر نهضت کارگران و زحمتکشان ایران زیر رهبری حزب توده ایران همان رفته است که با تاریخ همه نهضت های خلقی و قیام های زحمتکش و ستم دیدگان ایران از جنبش

ادامه دور تازه جنگ روانی- تبلیغاتی...

مزدکی تا به امروز [رفته است]. خداوندان زر و زور هر بار که به ضرب شمشیر و تازیانه و تزویر بر این جنبش‌ها پیروز شده‌اند مشتکی کاتب دیوان خود فروخته را در کنار جوی خون مبارزان نشانده‌اند تا "فتح‌نامه" بنویسند؛ تاریخ را به سود ستم‌گران پیروز تحریف کنند و چهره‌های درخشان ستم‌دیدگان به‌جا خاسته تاریخ‌ساز را با دروغ و بهتان بیالیند. در این تاریخ تحریف‌شده پردروغ، قتلشن دیوانان "عادل" لقب دارند و کوتوله‌های ناقص الخلقه تاریخ "آریامهر"، ولی مزدک‌ها، آرائی‌ها و روزبه‌ها به هزار عیب و علت متهم‌اند... [نگاه کنید به: تجربه ۲۸ مرداد: نظری به تاریخ جنبش ملی شدن نفت ایران، اثر رفیق شهید فرج‌الله میزانی (جوانشیر)، ص ۸، انتشارات حزب توده ایران، خرداد ۱۳۵۹].

رفیق قهرمان دکتر احمد دانش، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، در زمینه رفتار غیرانسانی جنایتکاران رژیم ولایت‌فقیه در زندان‌ها، در نامه سرگشاده‌یی به آیت‌الله منتظری، از زندان اوین، از جمله نوشت: "قلم من که تحمل بار بیان این همه زشتی و پلیدی را ندارد، ولی نمی‌دانم شما که خود مدتی گرفتار ددمنشان رژیم طاغوت و زندانی بوده‌اید، آیا می‌توانید حال انسانی را نزد خود مجسم کنید که اغلب در نیمه‌های شب با چشمانی بسته و در گوشه‌های خلوت و تاریک زندان، با این احساس که تنه‌ای تنه‌هاست، کوچک‌ترین حقی ندارد و هیچ‌کس به فریادش نمی‌رسد، باید انواع شکنجه‌های روانی و جسمی را تحمل می‌کردم. درحالی‌که بارها و بارها شنیده و در قانون اساسی جمهوری اسلامی خوانده بودم که شکنجه ممنوع است، خود شکنجه‌شده و بارها و بارها شاهد شکنجه‌های بی‌رحمانه انسان‌های دیگر بوده‌ام. انسان‌هایی که صدای خش‌خش خزیدن پیکر علیل آن‌ها را شنیده و از زیر چشم‌پند دیده‌ام که چون در اثر شکنجه قادر به راه رفتن نبوده‌اند و برای نقل مکان بر روی پای خود می‌خزیدند و من با دیدن این صحنه‌ها، درد خود را فراموش می‌کردم و با خود فکر می‌کردم این کیست؟ و جواب می‌دادم مهم نیست که اسمش چیست و عقیده‌اش کدام است. این دیگر یک فرد و یک انسان نیست، همه انسانیت و همه بشریت است که چنین دلیل و بیچاره بر روی زمین می‌خزد. انسان‌هایی را دیده‌ام که در اثر زخم‌ها و دردهای ناشی از شکنجه استفرغ می‌کردند و در نتیجه آن قدر آب از دست می‌دادند که پوستشان خشک می‌شد و خطر مرگ تهدیدشان می‌کرد و برای نجات جانشان که اکثریت خواهان این نبودند، می‌بایست به تزریق سرم متوسل شد. انسان‌هایی را دیده‌ام که از شدت ضربه‌های شلاق خون ادرار می‌کردند و به علت ازکارافتادن کلیه‌ها می‌بایست دیالیز شوند. البته از حق نگذریم که نام این اعمال را "تعزیر" گذاشته بودند..."

نکته دیگر اینکه، گالیندویل، در گزارشی درباره وضعیت حقوق بشر در ایران، پس از سفرش به ایران در بهمن‌ماه سال ۱۳۶۸، و پس از فاجعه کشتار ملی هزاران زندانیان سیاسی، از جمله صدها تن از رهبران، اعضا و هواداران حزب، درباره دیدارش از زندان اوین و دیدارهایش در این زندان، از جمله نوشت: "سه تن از اعضای پیشین حزب توده در یک سلول به‌سر می‌برند. آقای کیانوری، دبیرکل سابق، یکی از کادرهای بالا و یک عضو ساده، تنها آقای کیانوری پذیرفت که نامش در گزارش بیاید. او به‌شدت انکار کرد که جاسوس یک قدرت خارجی بوده و قصد براندازی دولت انقلابی را داشته است. وی در برابر مسئولان و کارمندان زندان تأیید کرد که شکنجه شده بود، دست‌های نیمه فلج و انگشتان شکسته خود را نشان داد و از دیگر شیوه‌های آزار سخن گفت..." [به‌قول از: "نامه مردم"، شماره ۳۰۳، سه‌شنبه ۲۹ اسفندماه ۱۳۶۸].

و این است راز واقعی "برتری نظری" اندیشه‌های اسلامی "برادران پاسدار"، که انسان‌های هفتاد و اندی ساله و بیماری همچون رفقا طبری و کیانوری را به‌دنبال شکنجه‌های وحشیانه وادار می‌کنند که همچون گالیله در بی‌دادگاه "تأمین‌دگان خدا" روی زمین، منکر چرخش زمین گردند. برخلاف مدعیات پرتوی، توده‌ای‌ها قهرمانان از آرمان‌های خود دفاع کردند و اسطوره‌هایی همچون رحمان هاتقی (حیدر مهرگان)، فاطمه مدرسی، کی‌منش، حجر، باقر زاده و رفقای دیگر، تا آخرین نفس به‌تسلیم در برابر خواست شکنجه‌گران جنایتکار سپاه تن در ندادند.

همکاری رهبری حزب (پیش از حمله رژیم به حزب)، با دستگاه‌های امنیتی رژیم

مهدی پرتوی در جریان مصاحبه‌اش مطلب تازه‌ای را مطرح می‌کند که از زاویه‌های مختلفی حائز اهمیت است. پرتوی در این مصاحبه، همکاری

کردن حزب با دستگاه‌های امنیتی رژیم، از جمله با دادستانی، و نیز برنامه‌ریزی کردن حزب برای دستگیری و شکنجه افراد و سپس تحویل دادن آنان به دادستانی، را مدعی می‌شود.

هدف از طرح چنین دروغ آشکاری، پراکندن شک و تردید در زمینه مبارزات حزب ما و همچنین لطمه زدن به اعتبار سیاسی حزب در نزد نیروهای مترقی و آزادی‌خواه کشور است. حزب ما در جریان انقلاب و در راه دفاع از انقلاب، با شجاعت و جسارت به‌مقابله با توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع محلی پرداخت، و از همه امکان‌هایش در این زمینه بهره جست.

افشای توطئه آمریکا و دولت صدام برای آغاز جنگ بر ضد ایران، که نخستین بار در اعلامیه مشترک حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق، از آن پرده برداشته شد، و همچنین مبارزه توده‌ای‌ها برای درهم شکستن کودتای آمریکایی نوزده، از تلاش‌های ارزنده حزب ما برای نجات انقلاب مردم ایران بوده است. اما داستان سازی‌های دروغ پرتوی، به‌منظور توجیه دستگیری‌اش در سال ۱۳۵۹ و سپس آغاز همکاری‌های گسترده او با دستگاه‌های امنیتی رژیم، تلاش‌های مذبوحانه‌ای برای خدشه‌دار کردن تلاش‌های حزب برای نجات انقلاب مردم ما در مقابله با توطئه‌های مداوم و رنگارنگ امپریالیسم و ارتجاع محلی است.

پنهان نگه‌داشتن این حقیقت که، پرتوی و اندک‌شمار افرادی دیگر از نزدیکانش از برهه‌یی به بعد با دستگاه‌های امنیتی رژیم همکاری می‌کردند

مصاحبه پرتوی با همکاران امنیتی‌اش، در عین حال، در بردارنده نکته‌های افشاگرانه‌ای درباره خود او و دیگر همکاران امنیتی‌اش در خارج از کشور است، که اشاره به آن‌ها ضروری است. پرتوی مدعی است که پس از دستگیری‌اش، کشف می‌کند که سپاه از همه حرکات او باخبر بوده است [البته پرتوی نمی‌باید در این زمینه زیاد متعجب باشد، چون همه حرکات و کارهایش را پس از آزاد شدن در سال ۱۳۵۹، با دستور مأموران سپاه انجام می‌داده است]. پرتوی در مصاحبه‌اش از جمله می‌گوید:

"من را بلافاصله برای بازجویی بردند. هرچه می‌گفتند، من انکار می‌کردم. می‌گفتند که سابقه من را می‌دانند. من هم پیش خودم گفتم این طبیعی است چون من قبلاً زندانی بودم و قاعدتاً این‌ها باید سوابق من را داشته باشند. از من پرسیدند که امشب کجا بودی؟ گفتم منزل فلانی از دوستان قدیمی‌ام. پرسیدند نه، قبل از آن کجا بودی؟ زیر بار نمی‌رفتم. تا اینکه دیدم آدرس جایی که بودم را جلویم گذاشتند و معلوم شد که آنجا را زیر نظر داشتند و نمی‌شد کاری کرد. هرچه جلوتر می‌رفتم، دیدم آن‌ها از همه قرارها، حرکات و رفتار من به‌صورت ریزه‌ریز مطلع‌اند؛ اینکه فلان روز، فلان ساعت کجا بودم و چه کردم. حالم بد شد. شوکه شده بودم... بعد به من گفتند که کیانوری هم با آن‌ها همکاری می‌کند (کیانوری در ضربه اول دستگیر شده بود). این حرف آن‌ها را قبول نکردم... بعد از آن به من چشم‌پند زدند و بردند جلوی یک سلول. چشم‌پند را یک لحظه بالا زدم و دیدم کیانوری روی یک تخت خوابیده است. او تنها کسی بود که تخت داشت چون می‌گفتند نمی‌تواند روی زمین بنشیند. گفت: <خسرو سلام>. گفتم: <سلام>. بعد گفت: <ما در اینجا به این نتیجه رسیدیم که هیچ چیزی را از جمهوری اسلامی پنهان نکنیم> این عین جمله‌اش بود..."

البته پرتوی در اینجا، با اعتراف ضمنی به اینکه زیر هیچ شکنجه و آزاری نبوده است، مدعی می‌شود که به‌خاطر صحبت‌های کیانوری، یعنی کسی که برای اعتراف کردن به جرم‌های ناکرده زیر شکنجه‌های شدید بوده است، همه اطلاعات خود را تحویل "برادران سپاه" می‌دهد و راه همکاری با آن‌ها را در پیش می‌گیرد.

یادآوری این نکته هم اهمیت دارد که، پس از یورش دوم رژیم به حزب، نمایش‌های تلویزیونی و شکنجه‌های وحشیانه توده‌ای‌ها، از جمله رفقای سازمان مخفی و افسر لو درکل، رفقای نظامی، گزارش‌های متعددی به دفتر حزب در خارج می‌رسید که بر اساس آن‌ها، پرتوی همراه با مأموران به خانه‌های رفقای دستگیرشده سازمان مخفی می‌رفت و در خانه آنان، از همسران رفقا می‌خواست که وسایل و ابزار کارهای حزبی را که آنان با وجود زیر شکنجه بودن پنهان نگاه می‌داشتند، تحویل مقامات بدهند.

پرتوی همچنین در زمینه اتهام‌هایی که به او و همکار امنیتی‌اش، علی خدایی، سردبیر نشریه راه توده، متوجه است - از جمله اینکه رفیق زنده‌یاد فرج‌الله میزانی (جوانشیر) هم او و هم خدایی را در دیدار با همسرش به‌عنوان همکاران امنیتی رژیم افشاء می‌کند - از جمله می‌گوید:

ادامه دور تازه جنگ روانی-تبلیغاتی...

ایرما شواگر کمونیست و پیکارگر
برجسته حقوق زنان درگذشت

ایرما شواگر کمونیست و پیکارگر برجسته حقوق زنان اتریش و یکی از آخرین مبارزان جبهه مقاومت علیه فاشیستهای هیتلری صبح دوشنبه ۲۱ ژوئن ۲۰۱۵ در شهر وین درگذشت. ایرما شواگر در ۳۱ ماه می ۱۹۲۰ در وین متولد شد و در ۱۸ سالگی و پس از الحاق

اتریش به آلمان به خاطر تعلقش به خانواده ای یهودی به بلژیک مهاجرت کرد. پس از اشغال بلژیک توسط نازیها به فرانسه گریخت و با آغاز جنگ دوم جهانی به جنبش مقاومت فرانسه (رزستانس) و به حزب کمونیست اتریش پیوست. او پس از آزادی اتریش در اوایل تابستان ۱۹۴۵ به همراه همسر و دخترش که در زمان جنگ بدنیا آمده بود و به همراه گروهی از کمونیستها به اتریش بازگشت. تازه در آن هنگام بود که متوجه شد پدر و مادرش و دو برادر از سه برادرش در اردوگاه های مرگ نازی ها به قتل رسیده اند.

ایرما شواگر پس از بازگشت به میهنش در حزب کمونیست اتریش شروع به کار کرد و تمامی تلاش خود را در جهت حقوق زنان، صلح و فعالیتهای آموزشی ضدفاشیستی به کار گرفت. وی در سال ۱۹۵۲ به معاونت تشکیلات دمکراتیک زنان اتریش انتخاب شد و سپس در سال ۱۹۷۲ مسئولیت این سازمان را به عهده گرفت و همچنین به عضویت مشاور فدراسیون دمکراتیک جهانی زنان در آمد. او در مقالات، بیسمار، نشست ها، فعالیتهای عمومی، تظاهرات، و گردهمایی ها همواره برای حقوق برابر زنان با مردان، برای حق کار، حذف قوانین پدرسالارانه در رابطه با ازدواج و خانواده در اتریش، لغو قانون ممنوعیت سقط جنین و بر علیه جنگ سرد و رقابت نظامی به پیکار برخاست. ائتلاف وسیع سازمانهای زنان که ایرما شواگر سهم قابل توجهی در ایجاد آن داشت بالاخره در دوران حکومت برونو کرایسکی (صدر اعظم وقت اتریش) توانست به پیشرفتهای محسوس دست یابد. تعهد سیاسی ایرما برای صلح او را در اوج جنگ ویتنام در سال ۱۹۷۱ به ویتنام کشاند. او در دهه ۱۹۹۰ رئیس انجمن اتریش - ویتنام و دبیر رئیس افتخاری آن شد. از همین روی رئیس جمهور ویتنام در طی دیدارش از اتریش در سال ۲۰۰۸ از ایرما شواگر برای فعالیت هایش قدردانی کرد. ایرما همراه با گرتنه شوتنه - لیوهوتسکی نخستین زن ارشیتکت اتریشی و دیگر فعالان زن، کمیته زنان ضدفاشیست را به مدت ۳۰ سال سازماندهی و برای صلح و بر علیه فاشیسم مبارزه کرد. ایرما شواگر در سال ۱۹۵۳ به عضویت کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش انتخاب شد و از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ میلادی عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست اتریش بود. او در ۳۵مین کنگره حزب در سال ۲۰۱۱ به عنوان ریاست افتخاری حزب کمونیست اتریش انتخاب شد و با وجود سن بالایی که داشت در ۳۶مین کنگره حزب در نوامبر ۲۰۱۴ و در کنفرانس شهری وین شرکت جست و هر بار با سخنرانی های منطقی، پرشور و تأثیرگذارش به بالا بردن روحیه کمونیست های اتریش کمک بی بدیلی کرد. در ۳۱ ماه می ۲۰۱۵ جشن ۹۵ سالگی وی در جمع تعدادی از زنان و همراهانش در محل "موسسه آموزشی فمینیستی" برگزار شد. او مانند همیشه به سخنرانی پرداخت و با وجود ضعف پیری ولی همچنان متعهد و با انرژی درباره مبارزه ای که امروز زنان و نیروهای مترقی می باید به پیش برند سخن گفت. او همچنین از اینکه خود چپا و چگونه کمونیست شده و تا به امروز و تا آخر کمونیست خواهد ماند نیز سخن گفت. برآستی که ایرما شواگر یکی از چهره های برجسته جنبش کمونیستی اتریش بود و در آینده نیز خواهد ماند.

یادش گرامی و ماندگار باد

"در یکی از این جلسات، دادستان برگشت و به من گفت فلانی! آقای جوانشیر آمده بود پیش ما و می گفت خسرو که از خود شماسست. بعداً، جوانشیر ادعا کرده بود که بعد از رفتن پرتوی، ریختند و ما را دستگیر کردند و این نشان می دهد که او (یعنی من) با اطلاعات همکاری داشته است. ... اخیراً هم چندماه قبل این حرفها توسط شخص دیگری در خارج از کشور مطرح شد که خودش از افسران قدیمی نیروی دریایی بوده و یک مؤسسه تاریخ شفاهی هم دارد. این آقا خودش به همراه ۴ نفر دیگر، از معاونین افضلی و عضو حزب بود که اخیراً مصاحبه ای با همسر جوانشیر ترتیب داده. **همسر جوانشیر هم الان بسیار پیر است و طبعاً همه چیز را به یاد ندارد** و اظهارات خلاف واقع هم در این مصاحبه مطرح می شود. ایشان [همسر جوانشیر] یک جایی در این مصاحبه می گوید در یکی از ملاقاتهایش با جوانشیر، از او سراغ ۳ تفنگدار (یعنی من و هاتنی و خدایی) را گرفته است. ما ۳ نفر در بیرون زندان، تا قبل از آمدن کیانوری، ملاقاتهای جداگانه با جوانشیر داشتیم و حتی چند نوبت هم شام منزل آنها مهمان بودیم و از همان موقع، همسر جوانشیر به ما لقب "۳ تفنگدار" داده بود. جوانشیر هم در پاسخ به او گفته بود که پرتوی که قبلاً دستگیر شده بود و با آنان (اطلاعات سپاه) همکاری می کرد و دلیلش این بود که وقتی من از خانه رفتم، یک ربع بعد پاسدارها آمدند. **این روایت خانم جوانشیر است و البته اعتقاد خود جوانشیر هم این بود و به دادستان هم گفته بود و این روایت را در زندان همه شنیده بودند.**"

نکته جالب در این سخنان متناقض و مدعیات پرتوی، اثبات این نظر است که حرفهای خانم رفیق جوانشیر که الان پیر است اعتباری ندارد. البته چندی پیش نیز خانم جوانشیر به "آدم ساده ای" تشبیه شده بود که نمی توانسته این پیام ساده رفیق جوانشیر را که پرتوی و خدایی همکاران دستگاههای امنیتی رژیم هستند را به خارج منتقل کند. نکته جالب دیگر در حرفهای پرتوی این است که، او برخلاف ادعای برخی دیگر آزادگان اخیر، که مدعی شدند چنین صحبت هایی را در زندان شنیده اند، به روشنی تأیید می کند که "این روایت را در زندان همه شنیده بودند". بنابراین، نقل قول مطرح شده [از سوی خانم جوانشیر] در واقع همان نظر رفیق شهید جوانشیر بوده است.

اتفاقی نیست که نشریه ضد توده ای "راه توده"، که زیر نظر علی خدایی منتشر می شود، در شماره اخیرش، ضمن آشنا کردن خوانندگانش با "شخصیت والای پرتوی"، همه مدعیات این همکاری در دستگاههای اطلاعاتی رژیم در مصاحبه با خبرنگاری فارس را- نه برای نفی و محکوم کردن آن ادعاها- بلکه برای نشر دوباره آنها به صورت کامل، برای آن دسته از خوانندگان نشریه اش که احتمالاً به مصاحبه منتشر شده پرتوی در خبرنگاری فارس دسترسی پیدا نکردند، عیناً منتشر می کند، و در ضمن اعلام می کند که، یادمانده های علی خدایی با ویراستاری جدید (و یا به عبارت دقیق تر، حذف دروغهای آشکار در روایت خروجش از ایران که جعلی بودنش در اسناد مختلفی به اثبات رسیده است) در راه توده منتشر شده است.

مصاحبه محمد مهدی پرتوی و یادمانده های علی خدایی، شباهت های بسیاری به هم دارند و هدف مشترکی را دنبال می کنند، و هردوی آنها، همان طور که اسناد ششمین کنگره حزب توده ایران به آن اشاره کرده است، بخشی از کارزار جنگ روانی تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی به منظور نابودی فیزیکی و معنوی حزب توده ایران هستند.

اگر آن طور که پرتوی معتقد است کار حزب توده ایران در جامعه ما تمام شده است، دستگاه تبلیغاتی سپاه این همه تلاش و مایه برای بی اعتبار کردن آن هزینه نمی کرد.

ادامه یورش تبلیغاتی رژیم و دستگاههای امنیتی آن، اتفاقاً از خشم و هراس رژیم از ادامه مبارزات حزب ما و تأثیرگذاری آن بر جامعه، و گردان های اجتماعی، و نیروهای مترقی و آزادی خواه آن، ناشی می شود. باید منتظر حرکت های بعدی رژیم در عرصه گسترده تر کردن حمله ها بر ضد حزب توده ایران بود، و نیز باید با هوشیاری و درایت، این حمله ها را خنثی کرد. راز ادامه حیات حزب ما در پی یکی از گسترده ترین حمله های امنیتی بر ضد یک سازمان سیاسی، هوشیاری و جسارت مبارزاتی، و پافشاری تحسین برانگیز توده ای ها در سراسر ایران و جهان در پاسداری از حزب شان، نهفته است.

مرحله پایانی مذاکرات اتمی، و تأملی بر مانورهای مذبحخانه رهبر رژیم

با نزدیک شدن به پایان مهلت تعیین شده برای امضای توافقنامه اتمی بین ایران و کشورهای موسوم به پنج به اضافه یک، سؤالی که از مدت‌ها پیش اذهان عمومی و فعالان سیاسی را به خود مشغول داشته، این است که آیا این مذاکرات در نهایت، مرحله‌های پایانی‌اش را طی می‌کند و یا اینکه این مذاکرات، در نگاهی خوش‌بینانه، دوباره تمدید می‌شود و یا، در نگاهی بدبینانه، بدون دست یافتن به توافقی متوقف می‌گردد. این گمانه‌زنی‌ها از آنجا نشأت می‌گیرند که در طول یکی دو هفته گذشته اظهارنظرهایی متفاوت از سوی طرف ایرانی و کشورهای غربی را شاهد بوده‌ایم. تجزیه و تحلیل این موضوع، به خصوص پس از سخنان سید علی خامنه‌ای در هفته گذشته، به این بحث بیشتر دامن زد. پیش از وارد شدن به بحث لازم می‌دانیم این نکته را یادآوری کنیم که مبنای بررسی مذاکرات اتمی در اینجا بر اساس موضع‌گیری‌های مقام‌های ایرانی است، و به همین دلیل، باید به این نتیجه رسید که امکان امضای توافق اتمی اتفاقاً از هر زمان دیگری بیشتر است، مگر اینکه گروه‌های پرنفوذ در منطقه و غرب که مخالف هر توافقی‌اند، به تحمیل وضعیتی موفق بشوند که امکان سازش را با مشکل مواجه سازد.

هفته گذشته که سیدعلی خامنه‌ای در جمع مقام‌های دولتی [در دیدار رضوانی سران قوا و مسئولان و مدیران ارشد نظام، در ۲ تیرماه] سخنانی ایراد کرد، تحلیل‌گران سیاسی با تجزیه و تحلیل این سخنان، به این نتیجه گیری **اشتباه** رسیدند که اتخاذ چنین موضعی از سوی ولی فقیه، روند مذاکرات را به عقب بازمی‌گرداند. تجزیه و تحلیل اشتباه این سخنان از سوی طیف وسیعی از فعالان سیاسی، از تمرکز بی‌مورد بر یک قسمت از سخنان علی خامنه‌ای و بی‌توجهی به دیگر قسمت‌های کلیدی سخنان وی ناشی می‌شد. برای بررسی بیشتر این موضوع لازم است نخست به مصاحبه محمدجواد ظریف با روزنامه دنیای اقتصاد نظری بیندازیم.

ظریف در مصاحبه با دنیای اقتصاد، ۳۰ خردادماه، بخش عمده صحبت‌هایش را به تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی اختصاص داده بود. هرچند در این مصاحبه به سؤال‌های مربوط به روند مذاکرات جواب داده شد - جواب‌هایی که فضای خوش‌بینی و اطمینان از حصول به توافقی بر آن‌ها حاکم بود - اما در عین حال در این مصاحبه ظریف سعی وافر داشت دیدگاه‌هایی را تشریح کند که در بین جناح‌های حکومتی مورد مناقشه است. ظریف در قسمتی از این مصاحبه گفت: "... دیپلماسی پیش‌بُرد منافع با کمترین هزینه است؛ هزینه زیاد کردن هنر نمی‌خواهد. یعنی اگر بیشترین هزینه صورت بگیرد و منفعتی نیز کسب شود، کار قابل‌توجهی صورت نگرفته است. مقام معظم‌رهبری سال گذشته در سمیناری که با حضور سفرا و کارداران برگزار شد، فرمودند <چه‌سا دولت‌های بسیار قدرتمندی که اهدافشان را به‌جای آنکه با ابزار نظامی پیش ببرند با ابزار دیپلماسی پیش می‌برند. زیرا ابزار دیپلماسی بسیار کم‌هزینه‌تر و فشار آن روی مردم نیز کمتر است.> " ظریف در ادامه صحبت‌هایش همچنین گفت: "اگر کسی تصور می‌کند که با فراموش کردن آرمان‌ها می‌توانیم به توسعه اقتصادی برسیم کاملاً در اشتباه است؛ اما اینکه آرمان‌هایمان را به شکلی پیگیری کنیم که کمترین هزینه و بیشترین عامل قدرت را برای نفوذ بیشتر و حضور جدی‌تر داشته باشیم، این یک سیاست خارجی جامع است که در خدمت توسعه نیز هست؛ ضمن اینکه اهداف و آرمان‌هایمان را نیز فراموش نکرده است." ظریف در جواب این سؤال که "آیا قرار است با مذاکرات هسته‌ای نگاهمان را نسبت به سیاست خارجی تغییر دهیم"، از جمله گفت: "ما در بحث هسته‌ای اگر بتوانیم بر اساس منافع ملی و بر اساس دیدگاه‌ها و آرمان‌های خود حضوری داشته باشیم که بدخواهان انقلاب را از امنیتی‌سازی ایران محروم کنیم در آن صورت ضمن حفظ هویت می‌توانیم به منافع اقتصادی‌مان نیز دست یابیم. اما

اگر بخواهیم هویت خود را از دست بدهیم ممکن است برخی منافع کوتاه‌مدت اقتصادی کسب کنیم، اما این منافع هرگز پایدار نخواهند بود و هرگز نخواهند توانست برای ما شرایط ویژه‌ای را ایجاد کنند که بتوانیم در درازمدت آن را پیش ببریم."

مدنظر ما در اینجا ارزیابی مثبت یا منفی از این سخنان نیست. هدف اصلی از بازگویی این اظهارات از زبان شخصی که نقشی کلیدی در مذاکرات دارد، تأکید بر این مهم است که دل‌مشغولی دولتمردان در ایران در ارتباط با نیروهایی است که در فضای سیاسی به دل‌پاسان معروفند. مصاحبه اخیر ظریف با دنیای اقتصاد، بیشتر از آنکه هدفش مخاطب خارجی باشد به نیروهای داخلی معطوف بوده است، و به همین دلیل، بخش عمده این مصاحبه پرداختن به تشریح این مهم بود.

در فاصله میان این مصاحبه ظریف و سخنان یادشده خامنه‌ای، موردهای دیگری را هم شاهد بودیم که مرکز اصلی روی دادن آن‌ها در مجلس بود. بدین معنا که، در طرحی که در همین رابطه به تصویب مجلس و سپس شورای نگهبان رسید "باینکه دستورکار رسمی امروز [۳۱ خرداد] مجلس توسط هیئت‌رئیس‌تعیین‌یافته بود اما با اصرار قاطبه نمایندگان بالاخره در دقایق پایانی جلسه، کلیات طرح الزام دولت به حفظ حقوق و دستاوردهای هسته‌ای با رأی ۱۹۹ وکیل ملت به تصویب رسید" [خبرگزاری فارس، ۳۱ خردادماه]. بازخوانی دوباره این قسمت از گزارش خبرگزاری فارس، تنش‌های موجود بین جناح‌های غارتگر را آشکار می‌کند. این تنش‌ها - به هر دلیلی که باشد - نیازمند آن بود که کنترلی بر آن‌ها اعمال شود، و سخنان هفته گذشته علی خامنه‌ای نیز در همین راستا باید موردبررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. خامنه‌ای در قسمتی از سخنانش به تشریح شرط‌هایی پرداخت که مذاکرات باید در آن چارچوب ادامه یابد. او از جمله به "عدم پذیرش محدودیت‌های بلندمدت، ادامه کار تحقیق و توسعه و ساخت‌وساز در زمان محدودیت، لغو فوری تحریم‌های اقتصادی، مخالفت با بازرسی‌های غیرمتعارف" اشاره کرد، و محفل‌های سیاسی این قسمت از سخنان توخالی رهبری را برجسته کردند و درباره آن به بحث و ابراز نظر پرداختند. هرچند سیدعلی خامنه‌ای سعی کرد در اشاره به اقتصاد مقاومتی و اینکه با توجه به منابع عظیم مالی، انسانی و طبیعی می‌توانند بر چالش تحریم‌ها فائق آیند، اما قسمت مهم و کلیدی سخنانش آنجا بود که خطاب به مخالفان داخلی گفت: "**این تیم، با غیرت ملی و دقت کامل و با قصد باز کردن گره و پیش بردن کار کشور، در مقابل تعداد کثیر مذاکره‌کنندگان طرف مقابل، مشغول تلاش است و انصافاً با شجاعت، مواضع را بیان و دنبال می‌کند.**" و در ادامه خطاب به منتقدان گفت: "با انتقاد مخالف نیستیم و آن را لازم و کمک‌کننده می‌دانیم اما این واقعیت است که انتقاد کردن آسان‌تر است چراکه دیدن عیب‌های طرف مقابل راحت است اما درک دشواری‌ها و نگرانی‌های او، مشکل است." اظهارات خامنه‌ای و حمایت بی‌پرده از هیئت مذاکره‌کننده درست در زمانی ایراد گردید که مجلس با تصویب طرح مذکور درصدد برآمده بود نقشی فراتر برای خود تعیین کند. خامنه‌ای در سخنانش به تنها نکته‌ای که اشاره نکرد همین نقش مجلس در روند مذاکرات اتمی بود. او تنها به این نکته اشاره کرد که "همه باید به دولت و مسئولان کمک کنند، **حلبه‌سازی از هر طرفی غیرقابل قبول است** و باید از آن پرهیز شود." و برای اینکه نقش هیئت مذاکره‌کننده را در مقام مجری اوامر رهبر مشخص کند، در تشریح شکل‌گیری مذاکرات به تاریخچه روند مذاکرات با آمریکا پرداخت و گفت: "**موضوع مذاکره با آمریکایی‌ها مربوط به زمان دولت قبل است و به فرستادن واسطه به تهران برای درخواست مذاکره مربوط می‌شود.**" این قسمت از اعترافات خامنه‌ای باید مورد توجه آن دسته از فعالان سیاسی قرار گیرد که سعی دارند از دولت روحانی و هیئت مذاکره‌کننده قهرمان بسازند، درحالی‌که تمامی شواهد موجود نشان می‌دهند نقش آنان فقط در **حد مجری برنامه‌های رهبری** باید موردبررسی قرار بگیرد. خامنه‌ای در ادامه سخنانش در همین ارتباط گفت: "در آن زمان، یک نفر از محترمین منطقه به‌عنوان واسطه به دیدار ما آمد و به‌صراحت گفت رئیس‌جمهور آمریکا از او خواهش کرده که به تهران بیاید

ادامه مرحله پایانی مذاکرات ...

باتوجه به داده‌های بالا، باید به این نتیجه رسید که سخنان خامنه‌ای در هفته گذشته، ترسیم مرزهای غیرقابل عبور برای نیروهای داخلی و به‌سکوت واداشتن آن‌ها بوده است، یعنی امری که رهبری خطوط اصلی‌شان را تعیین می‌کند. بنابراین مذاکرات درپیش رو - با تمهیدهایی که از پیش برنامه‌ریزی شده‌اند - می‌باید به توافقی نهایی بسیار نزدیک شده باشد. باتوجه به زمزمه‌هایی که برخی‌شان انتشار یافته‌اند، این امکان وجود دارد که مذاکرات زمان بیشتری طول بکشد، اما چنانچه وضعیت غیرقابل پیش‌بینی‌ای به‌وجود نیاید، امضای توافق نامه نهایی بسیار محتمل است.

ما همان‌طور که بارها اعلام کرده‌ایم، به‌طور اصولی از هر روند واقعی‌ای که از درد و رنج مردم ایران بکاهد حمایت می‌کنیم، اما بر این نظر نیز هستیم که نباید از این مسئله غافل شد که در طول بیش از سه دهه حاکمیت جمهوری اسلامی، میهن ما تجربه‌های خون‌بار و دهشتناکی را آزموده که محصول سیاست‌های حاکمان کنونی بوده است. حکومتی را که در چارچوب ساختارهای موجود آن یک فرد، ولی فقیه، بر جان و مال و آینده میلیون‌ها نفر حکم می‌راند و میهن ما را همچنان با خسارت‌هایی جبران‌ناپذیر مواجه می‌کند، فراتر از این نمی‌توان و نباید اجازه داد ادامه یابد. امضای توافق آتمی بدین معنا نخواهد بود که خطر از سر توده‌های میلیونی میهن‌مان رخت بر خواهد بست. نیروهایی که با بزرگ کردن نقش حسن روحانی و دولت او درصد القای این توهمند که او و دولتش در نهایت خواهند توانست به وضعیت دشوار کنونی پایان دهند باید به این نکته توجه داشته باشند که حسن روحانی مجری و کارگزار ولی فقیه است و خارج از چارچوب‌های موردنظر ولی فقیه نمی‌توان نقشی برای او تعیین کرد. برای خروج از این دایره بسته و خطرناک، میهن ما نیازمند حاکمیتی برآمده از خواست مردم و متعهد به سازوکارهای دموکراتیک است. روحانی و دولتش نماینده این نیاز ملی نیستند.

ادامه قرار دادهای موقت ...

حقوق حداقلی می‌گیرند، شورای عالی کار، مزد یک‌پنجم خط فقری ۷۱۲ هزار تومانی را به طبقه کارگر کشورمان تحمیل کرد. در حین اینکه در طی یک سال، هزینه زندگی یک خانواده ۴ نفره دو برابر شده بود. مزد کارگران از ۶۰۹ هزار تومان در آخر ۹۲، یعنی از یک‌سوم خط فقر، به یک‌پنجم خط فقر در آخر ۹۳ کاهش یافت. تبانی رهبران تشکیلات زرد کارگری با رژیم ولایت‌فقیه در شورای عالی کار، یعنی همان مجمع "سه‌جانبه‌گرایی" مورد اشاره ربیعی، این یورش به معیشت طبقه کارگر کشورمان را ممکن ساخت. ربیعی، روز ۲۵ اسفندماه ۹۳ "مصوبه‌ی مزدی امسال [۹۴] را استثنایی توصیف کرد" و به کارگران تبریک گفت.

خبرگزاری ایلنا، ۳۱ خردادماه، با انتشار نمودار حداقل دستمزد از سوی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه برای ۳۳ کشور جهان، نوشت: "استرالیا و لوگزامبرگ با دستمزد ساعتی بالای ۹ دلار [آمریکا] در صدر قرار دارند. ... با در نظر گرفتن حقوق ۷۸۰ هزار تومان، و متوسط کار ماهیانه ۱۹۱ ساعت، درآمد یک کارگر ایرانی معادل ۴ هزار تومان معادل ۱٫۳ دلار به‌ازای هر ساعت کار خواهد بود، که تنها در سطحی کمی بالاتر از کشور مکزیک قرار دارد." خبرگزاری مهر نیز، ۲۶ خردادماه، با اشاره به "حذف تدریجی و بی‌سروصدای نان دولتی"، نوشت: "هم‌اکنون در پایتخت و حتی کلان‌شهرها، کمتر نانواپی دولتی را می‌توان یافت." به‌عبارت‌دیگر، تقریباً با مزدی معادل یک‌ششم مزد کارگر اروپایی، کارگر ایرانی مهم‌ترین ماده غذایی‌اش - نان - را نیز باید به قیمت آزاد، یعنی تقریباً به قیمت اروپا تهیه کند. مسئولان سازمان جهانی کار، نه‌فقط به سرکوب وحشیانه جنبش کارگری کشورمان آگاهی دارند، بلکه از نمودارهای حداقل مزد و شرایط معیشتی کارگران کشورمان نیز آگاه‌اند. وزیر کار رژیم ولایتی، با ادعاهای دروغینش در مجامع بین‌المللی، مضحکه‌یی از خود به‌راه می‌اندازد. تنها راه دستیابی به مزد و شرایط کار شرافتمندانه، مبارزه‌ی متحد با برنامه‌های اقتصادی رژیم و برای احیای حقوق سندیکایی و تقویت جنبش کارگری و پیوند دادن آن با جنبش‌های دیگر در مبارزه با استبداد ولایتی و تضمین حق حاکمیت ملی است.

و درخواست آمریکایی‌ها برای مذاکره را مطرح کند. آمریکایی‌ها به این واسطه گفته بودند می‌خواهیم ضمن شناخت ایران به‌عنوان قدرت هسته‌ای، مسئله هسته‌ای را حل‌وفصل کنیم و تحریم‌ها را تا شش ماه برداریم. البته ما به آن واسطه گفتیم به آمریکایی‌ها و حرف‌هایشان اطمینانی نداریم، اما با اصرار آن واسطه، قبول کردیم که این مسئله را یک بار دیگر امتحان کنیم و مذاکرات شروع شد. "سخنان خامنه‌ای که هم حالت نهیب و هم حالت دلجویی داشت، متوجه راهبردی است که خواهان آرامش در بین جناح‌های حکومتی به‌منظور پیشبرد پروسه سازش بر سر برنامه اتمی است. بی‌جهت نبود که روزنامه کیهان، در سرمقاله‌اش، پس از ایراد این سخنان، به بزرگ کردن نقش خامنه‌ای پرداخت، و نوشت: "بیانات دقیق و متین رهبر انقلاب در جمع مسئولان ارشد نظام بار دیگر چیدمان بازی آمریکایی‌ها را در مذاکرات به هم ریخت. ... این بیانات قبل از هر چیز، آیه‌ی ادبیات حکمت و قدرت را در خود داشت و پیام اقتدار را مخابره کرد. تقویت همدلی در داخل میان مسئولان و منتقدان، حرکتی راهبردی خلاف طراحی دشمن است و توپ را به زمین حریف بازمی‌گرداند. دفاع از غیرت و تدین و امانت‌داری مذاکره‌کنندگان باوجود معصوم نبودن آن‌ها و احتمال خطا در تشخیص و عمل، و دعوت منتقدان به درک سختی‌ها و اقتضائات تیم مذاکره‌کننده در عین دفاع از ضرورت نقد، به‌منابه سوق دادن دو طرف به انسجام ملی بیشتر و پرکردن شکاف‌ها و خلل‌ها در رویکردها به جبهه دیپلماسی است" [روزنامه کیهان، ۴ تیرماه]. این موضع‌گیری کیهان در قالب سرمقاله روزنامه در زمانی انتشار یافت که در شماره اول تیرماه این روزنامه در حمایت از مصوبه مجلس، با تیتربزرگ، آمده بود: "طرح صیانت از حقوق هسته‌ای رفیق‌سازی شد." «جالب‌توجه اینکه، سرمقاله‌های همان دو شماره روزنامه کیهان [۱ تیرماه و ۴ تیرماه] به‌قلم یک نفر، یعنی محمد ایمانی، نوشته شده که در آن چرخش ۱۸۰ درجه‌ای در موضع‌گیری کاملاً مشهود است. مراجعه دوباره به آن‌ها وضعیت مغشوش موضع‌گیری‌های سیاسی را، آن هم در فاصله چند روز، برملا می‌کند.

روزنامه ایران، ارگان رسمی دولت، ۴ تیرماه، هم در این ارتباط به تحلیل سخنان خامنه‌ای پرداخت و در قسمتی از آن نوشت: "با آغاز تیرماه - ماهی که مذاکره هسته‌ای به نقطه سرنوشت‌ساز رسیده - و آرایش قدرتی که جبهه مخالفان علیه مذاکرات هسته‌ای شکل دادند پیدا بود که ظریف و دوستانش بدون پشتیبانی مرجع عالی نظام امکان پیشبرد این مأموریت دشوار را نخواهند داشت. ... حوادث یک هفته اخیر گواهی روشن بر این سخن بود که گروه مخالفان به‌تحرکاتی در حاشیه مجلس و نیز تریبون و مجالس عمومی و مذهبی روی آورده که ممکن بود در آستانه اجلاس ۳۰ ژوئن صف متحد و منسجم نظام در کارزار هسته‌ای را دچار خدشه سازد یا تصویری دوگانه و چندپاره از موضع حاکمیت در مواجهه با ۶ قدرت جهانی ارائه کند. اکنون نخستین پیامد بیانات چهارشنبه‌شب رهبری به‌صورت توقف این حرکت خطرناک آشکار شده است. برای درک ابعاد این مسئله کافی است به ماجرای احضار و مواخذه از تیم مذاکره‌کننده توسط اقلیت مجلس توجه شود و اینکه همه احضارها و تقییش‌ها بر اساس اطلاعات و شایعاتی انجام گرفت که رهبری در دیدار مسئولان بطلان آن‌ها را اعلام کرد. ... اکنون انتظار می‌رود بعد از کلام فیصله بخش رهبری، عقلای جریان‌های سیاسی نسبت به تکرار و تداوم این نوع حرکت‌ها هشباری نشان دهند."

اتفاقاً در همین راستا، روزنامه‌های طرفدار دولت هم این نکته مهم را برجسته و تیتروهای اول خود کردند. روزنامه ابتکار: "حمایت جانانه رهبر انقلاب از تیم هسته‌ای"، روزنامه آرمان، به‌نقل از خامنه‌ای: "تیم مذاکره‌کننده ایران امین، غیور، شجاع و متدین هستند"، روزنامه شهروند: "حمایت قاطع رهبر انقلاب از تیم مذاکره‌کننده"، روزنامه اعتماد هم "حمایت دوباره رهبر انقلاب از تیم هسته‌ای" را برجسته کرد. بازبینی همین تیتروها در بردارنده این واقعیت است که از دید شماری از کسانی که خود را اصلاح‌طلب و طرفدار اعتدال قلمداد می‌کنند و در تبلیغات متداول‌شان به‌ظاهر از خواست و نقش مردم سخن به‌میان می‌آورند، در نهایت، و در عمل اما تمکین به‌رهبری جزو ماهیت سیاسی‌شان است.



هدف، همچنان به حمایت از نیروهای ارتجاعی در منطقه خاورمیانه ادامه می‌دهند.

خاورمیانه در چند سال گذشته دچار آشفتگی و هرج و مرج بی‌سابقه‌ای بوده است که درد و رنج عظیمی را برای ملت‌های منطقه، و به‌ویژه مردم

سوریه و عراق یمن و لبنان به بار آورده است. وضعیت ناپسند و فلاکت‌بار فلسطینیان نیز همچنان ادامه دارد. سازمان‌های تروریستی و افراطی، از قبیل «داعش» و متحدان آن و دیگر سازمان‌های مشابه، در سرزمین‌های سوریه و عراق پیشروی کرده‌اند و کشورهای همسایه را نیز به طور جدی تهدید می‌کنند. این سازمان‌ها کنترل شهرهای بزرگ و مهمی را در سوریه و عراق به دست آورده‌اند و موجی از جنایت‌های بی‌رحمانه را علیه ده‌ها هزار مردم غیرنظامی به راه انداخته‌اند و رژیم تاریک‌اندیش قرون‌وسطایی و غیرانسانی و عقب‌مانده‌ای را بر مردم تحمیل کرده‌اند که همه ارزش‌ها و حقوق بنیادی بشر را نقض کرده و زیر پا گذاشته است.

در ماه‌های اخیر، گفتگوهای صلح‌آمیز در یمن جای خود را به خشونت‌های مسلحانه و مداخله فزاینده خارجی داده است. نتیجه این شده است که این کشور در محاصره مناقشه‌ای گسترده میان نیروها و گروه‌های گوناگون افتاده است که دارد آن را به سوی یک جنگ داخلی ویرانگر می‌کشاند. تجاوز نظامی مشترک نیروهای ارتجاعی، که قدرت‌های امپریالیستی جهان نیز از آن حمایت کردند، سبب وخیم‌تر شدن اوضاع و تشدید رنج و درد مردم یمن شده است. گسترش سرزمین‌هایی که در دو سوی مرزهای کشورهای موجود به تصرف گروه‌های بی‌رحم افراطی درآمده‌اند، و برانگیختن و دامن زدن و گستراندن درگیری‌های فرقه‌ای و قومی را، نمی‌توان از تلاش‌های آمریکا و متحدانش به‌منظور تأمین و تحکیم سرکردگی در منطقه خاورمیانه جدا دانست.

آمریکا در تلاش برای ایجاد تفرقه و جدایی در میان ملت‌ها و تجزیه کشورهای، و تدارک اجرای مرحله‌های نهایی «طرح خاورمیانه جدید»، از گروه‌های فرقه‌گرا و بنیادگرایان ارتجاعی در بسیاری از کشورها، از جمله در یمن و عراق و سوریه و لبنان و مصر به‌طور مستقیم و غیرمستقیم استفاده کرده است. رژیم کنونی سودان نیز که اسلحه در اختیار گروه‌های تروریستی قرار می‌دهد و به آن‌ها آموزش می‌دهد و به کشورهای آفریقایی همسایه‌اش می‌فرستد، سهم خود را در پیشبرد خطامشی امپریالیسم در آفریقا ادا می‌کند. به‌علاوه، این رژیم به جنگ خود برای نابود کردن مردم دارفور نیز همچنان ادامه می‌دهد. تحلیل ما- همان گونه نیز که روند رخدادهای سال‌های اخیر نیز نشان داده است- این است که: امپریالیسم آمریکا خطامشی راهبردی «چندجانبه‌ای» را برای مهار کردن خاورمیانه دنبال می‌کند که بر پایه مناسبات و توزیع نقش‌های تازه‌ای تنظیم شده است که آمریکا برای ایران، ترکیه، عربستان سعودی، مصر، و اسرائیل در نظر گرفته است. آمریکا هم‌زمان با پشتیبانی از برخی روندها و رخدادها در ارتباط با هر یک از بازیگران کلیدی این منطقه، در برابر برخی دیگر می‌ایستد. این کشور با استفاده از شیوه «تهدید و تطمیع» تلاش می‌کند از ناآرامی‌ها و درگیری‌های داخلی بهره‌برداری کند و این امر سبب تشدید تفرقه میان گروه‌های فرقه‌گرا و وخیم‌تر شدن وضعیت منطقه شده است.

اکنون روشن شده است که عربستان سعودی، ترکیه و اسرائیل از سیاست آمریکا در مورد همکاری و همراهی با یک ایران قدرتمند که نفوذ چشمگیری در بخش‌های معینی از منطقه دارد، رضایت ندارند. یکی از پیامدهای این وضعیت، بالا کشیدن شدید شعله‌های جنگ‌های نیابتی در شماری از کشورهای منطقه و به‌ویژه سوریه و عراق و یمن بوده است که خود پیامدهای انسانی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی فاجعه‌باری داشته است.

از دید ما، اگر با این تلاش و فشار برای دامن زدن به درگیری‌های قومی و مذهبی، و جنگ و تروریسم در منطقه مقابله نشود و جلوی آن گرفته نشود، این وضع به‌سرعت می‌تواند به

بیانیه مشترک حزب‌های کارگری و کمونیستی منطقه خاورمیانه همدستی امپریالیسم جهانی با رژیم‌های خودکامه و نیروهای ارتجاعی برای سلطه بر منطقه خاورمیانه

همان‌گونه که در شماره قبلی نامه مردم اطلاع دادیم، نماینده کمیته مرکزی حزبمان به دعوت حزب مترقی زحمتکشان قبرس (ا.ک.ل) در روز ۱۴ خرداد ماه در همایش بین‌المللی حزب‌های کمونیست و چپ و دیگر سازمان‌های ترقی‌خواه در نیکوزیا (قبرس) شرکت و سخنرانی کرد. همان‌طور که در گزارش همایش در شماره قبلی نامه مردم آمده بود، بخش مهمی از مضمون اصلی بحث‌های این همایش در مورد عملکرد نیروهای اسلام‌گرای تروریست، و در مجموع، تروریسم و تهدیدهای فاشیسم و نیروهای ارتجاعی‌ای بود که از سوی امپریالیسم بر ضد نیروهای صلح‌خواه جهان و صلح جهانی تازانده می‌شوند. در جریان این نشست بین‌المللی، نمایندگان حزب‌های کمونیست و دیگر سازمان‌های ترقی‌خواه شماری از کشورهای منطقه خاورمیانه و آفریقای شمالی که، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، زیر ضربه یا مورد تهدید فعالیت‌های تروریستی «داعش» در منطقه و مداخله نظامی عربستان سعودی در یمن، در معرض خطر جنگ قرار گرفته‌اند، با یکدیگر دیدار و گفتگو کردند و درباره ضرورت همکاری و هماهنگی نزدیک‌تر و گسترده‌تر میان خود و دیگر حزب‌های کمونیست و ترقی‌خواه منطقه خاورمیانه بحث و تبادل نظر کردند. حاصل این گفتگوها، بیانیه زیر است که پیش‌نویس آن به ابتکار نماینده حزبمان تهیه شد و پس از بحث‌های چندجانبه، به مثابه بیانیه مشترک شماری از حزب‌های منطقه مورد پذیرش قرار گرفت. این بیانیه، که ترجمه فارسی متن آن را در ادامه می‌خوانید، حاوی نکات مهمی درباره روند رخدادهای سیاسی کلیدی در منطقه در یکی دو سال گذشته است.

بیانیه مشترک حزب‌های کارگری و کمونیستی منطقه خاورمیانه:
علیه «طرح خاورمیانه جدید» امپریالیسم و در دفاع از صلح و پایان دادن به جنگ‌های فرقه‌گرایانه در خاورمیانه - ۲۸ خردادماه ۱۳۹۴ / ۱۸ ژوئن ۲۰۱۵

خاورمیانه بار دیگر در چنگال بحران پیچیده و خطرناکی گرفتار شده است که بیم آن می‌رود منطقه را به سوی جنگ و خون‌ریزی‌های بیشتری بکشاند، و به بازچینی اساسی نقشه سیاسی این منطقه نیز بینجامد.

تلاش امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا به منظور تحمیل سرکردگی سلطه‌گرایانه‌اش به هر وسیله ممکن، از جمله از راه همدستی با رژیم‌های خودکامه و نیروهای ارتجاعی، ویژگی اساسی وضعیت کنونی است. بحران کنونی سرمایه‌داری، نیاز کشورهای امپریالیستی به استفاده از هر فرصتی برای دستیابی به برتری اقتصادی در سطح جهان را شدیدتر کرده است. بحران اقتصادی سرمایه‌داری جهانی همچنان موجب ویرانی‌های عظیمی در جهان بوده است، که خود نشان‌دهنده ناتوانی آن در رفع بحران از سال ۲۰۰۸ ل ۱۳۸۷ تاکنون است. امپریالیسم آمریکا برای پیگیری خطامشی راهبردی‌ای که سرکردگی سلطه‌گرایانه‌اش را تأمین کند، از ادامه عدم توازن نیروها در سطح جهان که در حال حاضر به سود آن است بهره‌برداری می‌کند. وضعیت موجود در شماری از کشورهای خاورمیانه نیز به پیشبرد این خطامشی راهبردی امپریالیسم کمک می‌کند. بی‌عدالتی اجتماعی و اقتصادی گسترده و ژرف، فساد فراگیر، تبعیض در شکل‌های گوناگون، نبود حقوق دموکراتیک و آزادی‌های سیاسی بنیادی و خودکامگی و رواج گسترده شیوه‌های سرکوبگرانه ناقض حقوق بشر، شرایط را برای پیشبرد خطامشی راهبردی امپریالیسم در راه بازچینی نقشه سیاسی خاورمیانه فراهم کرده است. هم‌زمان با تلاش امپریالیسم برای تأمین سرکردگی راهبردی و اقتصادی و تضمین دستیابی بی‌رقیب به منابع عظیم انرژی منطقه خاورمیانه و بازارهای غنی آن، صف‌آرایی‌ها و اتحادهای قابل ملاحظه‌ای نیز در حال شکل‌گیری است.

تلاش آمریکا این است که ضمن حفظ کنترل بی‌رقیب خود بر ذخایر حیاتی انرژی این منطقه، از دستیابی قدرت‌های اقتصادی نوظهور و رقیبان دیگر به این ذخایر جلوگیری کند. امپریالیسم آمریکا و متحدانش برای رسیدن به این



ولی ایایی ندارند که از ترورهای جنایت‌کارانه‌ی امثال داعش و دیگر نیروهای اسلامگرای افراطی بهره‌برداری کنند و حقوق و آزادی‌های مسلمانان (و دیگر معتقدان دینی) را محدود کنند، یا به جوهر و مرج و جنگ و تجاوز در جهان دامن بزنند.

از یک سو بحران‌های اقتصادی و سودورزی افسارگسیخته سرمایه‌داری و تحمیل «ریاضت» اقتصادی و اجتماعی به مردم، و از سوی دیگر، تاریک‌اندیشی و هراس‌افکنی و جنایت‌های لگام‌گسیخته تروریست‌هایی مانند داعش و القاعده و جبهه‌النصره و حامیان خلافت اسلامی (و البتة حکومت‌هایی مثل حکومت صهیونیستی اسرائیل یا حکومت‌های ارتجاعی منطقه مثل عربستان و ترکیه) عرصه زندگی شایسته انسانی را بر مردم عادی جهان تنگ کرده است و وضعیت شکننده و نگرانی‌آوری را به وجود آورده است. صلح‌دوستان و عدالت‌خواهان جهان روزگار دشواری را می‌گذرانند ولی از پا ننشسته‌اند. مردم جهان خواستار زندگی آرام و شایسته و انسانی‌اند، و برای داشتن آن، خواه‌ناخواه و به هر صورت ممکن در برابر زورگویان و جنایت‌کاران می‌ایستند. سازمان‌های مردمی و ترقی‌خواه جهان در حمایت از این مبارزه مردم و تقویت و پیشبرد آن، در هر سطح و هر سرزمینی که باشد، وظیفه خطیری به عهده دارند. حزب توده ایران، در کنار دیگر نیروهای ترقی‌خواه ایران و جهان، تمام تلاش خود را برای ادای چنین وظیفه‌ای به کار برده است و خواهد برد.

ادامه بیانیه مشترک حزب‌های ...

کشورهای دیگر نیز سرایت کند که پیامدهای تصوّرناپذیری خواهد داشت. ما معتقدیم که در کارزار مقابله با تلاش‌هایی که برای تجزیه کشورهای منطقه بر اساس مرزبندی‌های قومی و مذهبی صورت می‌گیرد، حزب‌های کمونیست منطقه مسئولیتی تاریخی دارند. حزب‌های کمونیست کشورهای منطقه خاورمیانه در مبارزه رهایی‌بخش ملی و پیکار در راه صلح و دموکراسی و عدالت اجتماعی نقش پراهمیت و چشمگیری داشته‌اند. به اعتقاد ما، ضرورت و اهمیت دارد که ما برای تدوین و به کار گرفتن ابتکارهای بیشتر و بهتر به منظور پیشبرد مبارزه در راه برچیدن همه پایگاه‌های نظامی خارجی و تأمین و حفظ صلح و یافتن راه‌حلی برای مسئله فلسطین و پایان دادن به هرگونه مداخله خارجی در کشورهای منطقه به هر بهانه‌ای که باشد، تلاشی دسته‌جمعی داشته باشیم. به نظر ما، فقط از راه بسیج گسترده‌ترین طیف نیروهای اجتماعی در مقابل امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی است که ما می‌توانیم به صلح و پیشرفت در سراسر منطقه دست یابیم. به همین منظور، ما خواهان ادامه نشست‌های منظم حزب‌های کمونیست و کارگری منطقه خاورمیانه هستیم که در واقع همایشی است برای تبادل نظر و برنامه‌ریزی و هماهنگ کردن فعالیت‌هایمان در حمایت از مبارزه در راه برقراری صلح، حقوق بشر، دموکراسی، و عدالت اجتماعی.

حزب توده ایران
حزب کمونیست لبنان
حزب کمونیست سودان
حزب کمونیست عراق
جمعیت ترقی‌خواه دموکراتیک بحرین
جنبش ترقی‌خواه کویت

ارتجاع و تروریسم همچنان فاجعه می‌آفرینند

خشونت وحشیانه و غیرانسانی تروریست‌های اسلامگرای افراطی بار دیگر فاجعه به بار آورد. بر اساس گزارش خبرگزاری‌های جهانی، در دو روز پنج‌شنبه و جمعه گذشته، چهارم و پنجم تیرماه، نیروهای مسلح وابسته به «داعش» و دیگر سازمان‌های تروریستی اسلامگرا در سه قاره آسیا و آفریقا و اروپا دست به عملیات مسلحانه مرگبار و کشتار وحشیانه مردم عادی زدند. روز پنج‌شنبه چهارم تیرماه، تروریست‌های خلافت اسلامی موسوم به «داعش» به شهر عین‌العرب (کوبانی) در شمال حلب در نزدیکی مرز سوریه و ترکیه حمله کردند که به کشته شدن دست‌کم ۴۷ تن از نیروهای کرد مدافع شهر و در حدود ۱۰۰ غیرنظامی منجر شد. نیروهای تروریستی داعش، که قدرت‌های بزرگ امپریالیستی و نیروهای ارتجاعی منطقه هسته‌های اولیه آن را در جنگ علیه دولت سوریه «آزادی‌خواه» می‌نامیدند و از آنها حمایت نظامی و مالی و اطلاعاتی می‌کردند، همچنان در دو کشور عراق و سوریه به کشتار و خون‌ریزی ادامه می‌دهند و امنیت و آسایش را از مردم سلب می‌کنند.

روز جمعه پنجم تیرماه نیز تروریست‌های داعش و دیگر اسلامگرایان افراطی در سه کشور کویت و تونس و فرانسه، در سه قاره جهان، دست به کشتار وحشیانه غیرنظامیان زدند. در تونس، یک تروریست مسلح به روی تروریست‌هایی آتش گشود که در کنار دریا در هتل «امپریال مرچبا» در شهر ساحلی سوسه استراحت می‌کردند. بر اساس گزارش خبرگزاری‌ها، این ترور، که داعش مسئولیت آن را به عهده گرفت، دست‌کم ۳۸ کشته به جا گذاشت. در حوالی ظهر همان روز، عملیات انتحاری یک تروریست اسلامگرای دیگر به مسجد امام صادق شیعیان در کویت، منجر به کشته شدن دست‌کم ۲۷ تن شد که برای ادای نماز جمعه در محل آن مسجد گرد آمده بودند. خلافت اسلامی «داعش» مسئولیت این حمله جنایتکارانه و کشتار ناجوانمردانه را نیز به عهده گرفت. در همان روز جمعه، در نزدیکی شهر لیون در شرق فرانسه، یک خودروی حامل مواد منفجره پس از عبور از دروازه اصلی یک کارخانه آمریکایی گاز، موجب انفجار مهیبی در محوطه کارخانه شد. بر اساس گزارش‌های منتشر شده، در جریان این حمله، پارچه‌نوشتی با متن عربی که روی یک سر بریده کشیده شده بود، در نزدیکی دروازه اصلی کارخانه پیدا شد. حزب توده ایران که عدالت‌خواهی و صلح‌طلبی و پرهیز از خشونت را سرلوحه اندیشه و عمل خود می‌داند، نمی‌تواند به‌سادگی از کنار این جنایت‌های ضدبشری تاریک‌اندیشان و «جهادگران اسلامگرای افراطی» بگذرد. حزب ما انزجار خود را از چنین عملیات خونباری که جز ایجاد هرج‌ومرج و ترس و ترور و خفقان هدف و حاصل دیگری ندارد اعلام می‌کند و عاملان چنین کشتارهایی را جنایت‌پیشگانی می‌داند که آرامش و آسایش را از مردم جهان سلب کرده‌اند و هرچه زودتر باید بر آنها مهار زده شود و فضای عمل آنها بسته شود. حزب ما، حزب توده‌های زحمتکش، ضمن محکوم کردن این جنایت‌های وحشیانه، خود را در اندوه مرگ قربانیان این فاجعه‌ها شریک می‌داند و با خانواده‌ها و نزدیکان آنها ابراز همدردی و همبستگی می‌کند. همان‌طور که قدرت‌های بزرگ امپریالیستی و حاکمان مرتجع منطقه‌ای در دهه‌های گذشته با حمایت از نیروهای اسلامگرای افراطی در افغانستان و پرورش آنها برای پیشبرد سیاست‌های ضد مردمی خود بهره گرفتند، و دست آخر نیروهایی مثل طالبان را آفریندند که زندگی را بر مردم افغانستان و پاکستان تنگ و تلخ کردند، امروزه نیز نیروهای دست‌آموز و دست‌پرورده همان قدرت‌ها و حاکمیت‌های ارتجاعی بار دیگر وضعیتی را پدید آورده‌اند و دست به جنایت‌هایی می‌زنند که مایه تنگ و نفرت است. ایجاد و تقویت مستقیم و غیرمستقیم نیروهای جنایت‌پیشه زیر پرچم دین، و بهره گرفتن از آنها هرگاه که به سود پیشبرد سیاست‌های جهانی و منطقه‌یی قدرت‌های بزرگ و حکومت‌های ارتجاعی باشد، بازی کردن با زندگی مردم خود جنایتی است که باید جلوی آن گرفته شود و عاملان آن به دست عدالت سپرده شوند. به همین دلیل، نباید گذاشت که وقوع جنایت‌هایی مثل آنچه در روزهای پنج‌شنبه و جمعه گذشته رخ داد، مورد بهره‌برداری دولت‌ها و حکومت‌هایی مثل دولت آمریکا قرار گیرد، که اگرچه به رگبار بستن سیاه‌پوستان در یک کلیسای معروف و کشتن ۹ تن را به مسامحه می‌گذرانند،



کمیونست‌ها و چالش‌های مبارزه با فاشیسم، تروریسم اسلامی، و دولت‌های دیکتاتوری

متن سخنرانی رفیق محمد مختار الخطیب، دبیرکل حزب کمیونست
سودان، در همایش بین‌المللی قبرس - ۱۴ خردادماه ۱۳۹۴

وضعیت کنونی جهان با بحران رشدیابنده سرمایه‌داری مشخص می‌شود. با پیاده شدن سیاست‌های نولیبرالی، حقوق کارگران و منافع ملی توده‌ها پایمال می‌گردند. به‌منظور توضیح وضعیت کنونی، تناقض‌ها و دشواری‌های ساختگی‌ای به‌کار گرفته می‌شوند تا شرایط را برای به‌پای خیزاندن راست افراطی و فاشیسم در اروپا و دیگر جاها هموار گردد. همزمان با این شگردها، امپریالیسم به نظامی‌گری‌اش ادامه می‌دهد. خطر، ناامنی، و ناپایداری، جهان را فراگرفته است. استقلال کشورهای و سرکوب پیکار توده‌ها، با نظامی کردن کره خاکی، گسترده‌تر سازمان‌ناتو به‌سوی خاور، و همبسته کردن نیروهای نظامی برای واکنش سریع، در تهدید قرار دارند.

شده است. سودان میزبان رهبران این گروه‌ها - که به‌تازگی از مصر گریخته‌اند - شده است. سودان به‌پاس پشتیبانی و همدستی در یورش نظامی به یمن، از عنایت و قدردانی هرچه بیشتر دولت وهابی عربستان سعودی بهره‌مند شده است.

تنها راه ناکام ساختن تهاجم امپریالیسم و ترفندهای آن، برپایی گسترده‌ترین اتحاد ممکن از همه نیروهایی است که درگیر مبارزه رهایی‌بخش ملی و اجتماعی‌اند. بی‌اثر کردن دست‌اندازی‌های تروریست‌ها و متلاشی ساختن گروه‌های آموزش دیده نظامی آنان، باید وظیفه اساسی این مبارزه باشد. هرچه این اتحاد گسترده‌تر باشد، دستاوردهای بهتری در پی خواهد داشت. پیکار بر ضد طرح‌های امپریالیسم در منطقه باید همه نیروهای دمکراتیک، میهن‌پرستان سکولار و انقلابی را دربر گیرد. هدف مبارزه از بازگرداندن فقط دمکراسی باید فراتر رود. رویدادهای به‌اصطلاح بهار عرب برای همه ما آموزنده بود. اسلام سیاسی، مانند نیروهای واپس‌گرا، به‌لحاظ سرشتی با آنانی که در هرم قدرت [در این کشورهای عربی] بودند، تفاوت چندانی ندارد. کمیونست‌ها و متحدان آن‌ها باید از تجربه‌ها بیاموزند، باید شعارها و سیاست‌های‌شان را بر شالوده نیازهای واقعی مردم تعیین کنند. اتحادهای تاکتیکی آن‌ها باید در خدمت هدف‌های درازمدت برای دستیابی به وظیفه اصلی انقلاب دمکراتیک ملی و سوسیالیسم باشد. ما در هر چرخش گاه دگرگون‌ساز تاریخی، باید با آگاهی طبقاتی عمل کنیم.

کمیونست‌ها و حزب‌های کارگری، در پیکار توده‌های مردمشان نقشی ویژه و وظیفه‌ی دشوار بر عهده دارند. ما باید از خطاهای گذشته بیاموزیم. باید از کامیابی‌ها و شکست‌های جنبش کشورهای مان آموزه‌های لازم را تشخیص دهیم و به‌کار بندیم. ما باید به دستاوردهای جنبش آمریکای لاتین، کوبا، و همین‌جا در قبرس، برای آینده‌ی بهتر امیدوار باشیم. کمیونست‌ها باید در عمل نقش پیشاهنگ و نمونه‌وارشان را در حکم سرمشق دیگران، به‌نمایش بگذارند و به‌این ترتیب شایستگی پیشگامی در پیکار توده‌ها را کسب کنند.

جنگ به مرزهای روسیه رسیده است و فاشیست‌های اوکراین توانسته‌اند به قدرت بیشتری دست یابند. در همان حال، خاورمیانه به تخته‌پرسی برای تقویت و سلطه بیشتر امپریالیسم تبدیل شده است. گروه سه‌گانه امپریالیست‌های ایالات‌متحده، اتحادیه اروپا، و ژاپن، همراه با اسرائیل و وابستگان‌شان در ناحیه - به‌منظور دگرگون‌سازی سراسر منطقه و بنا نهادن خاورمیانه نوین با دستاویز دروغین برای دمکراتیزه کردن منطقه - به تلاش افتاده‌اند. یگانه هدف در این راستا، الگو قرار دادن کشور صهیونیستی اسرائیل و سپس پدید آوردن رژیم‌های سربراه و سلطه‌پذیر است. افزون بر آن، فرمانروایی در این ناحیه، در اختیار گرفتن سرچشمه‌های طبیعی و غنی نفت و دیگر ماده‌های انرژی‌زا را دربر می‌گیرد. چندی پیش تاخت‌وتازی نظامی در شمال و غرب آفریقا و نیز آسیای مرکزی به‌راه انداخته شد. در این تعرض، کشورهای اسرائیل، ترکیه، قطر، و عربستان سعودی - به‌منظور پاسداری از منافع امپریالیست‌ها و حمایت از این طرح [خاورمیانه نوین] از راه تأمین نیازهای مالی شاخه‌های گوناگون اسلام سیاسی که بر ضد مردم منطقه تازانده‌شده‌اند - نقش برجسته‌ای به‌عهده گرفته‌اند. امپریالیسم و حامیان محلی‌اش، با به‌راه انداختن موجی از تبعیض مذهبی دست زده‌اند. سیاست تعرض امپریالیستی، به‌نابودی کشورها و پدید آمدن هرج‌ومرج منجر گردیده است. برخی کشورهای منطقه مانند افغانستان، عراق، سوریه، لبنان، لیبی و یمن - قربانی دخالت‌های نظامی امپریالیسم و نیروهای واپس‌گرا شده‌اند. اسرائیل هنوز از تجاوز به کشورهای عرب دست‌نکشیده است. پس از تسخیر و تصاحب بلندی‌های جولان، اکنون با یاری گروه‌های اسلام سیاسی، به ایجاد آشوب در مصر پرداخته است، و در همان حال، حقوق بنیادی فلسطینی‌ها را نیز پایمال می‌کند و راه‌حل دو کشور [کشور فلسطین و کشور اسرائیل] را به‌طور آشکار رد می‌کند و به‌هدف سر به‌نیست کردن مردم فلسطین به مخدوش کردن واقعیت‌های تاریخی روی آورده است. دست‌اندرکاران حکومت اسرائیل بی‌پرده اعلام می‌کنند که به گسترش مرزهای‌شان ادامه می‌دهند و بافت جامعه را بر اساس یک ملیت قومی، مذهبی و یهودی دگرگون می‌سازند تا بدین وسیله مردم فلسطین را به‌ترک سرزمین‌شان وادار کنند. ما از مبارزه مردم فلسطین و دیگر نیروهای دمکراتیک برای برپایی دولتی ملی، دمکراتیک و سکولار که در آن همه مردم در صلح و آرامش بسر برند، پشتیبانی می‌کنیم.

تاکید بر این نکته ضروری است که، امپریالیسم و رژیم‌های واپس‌گرا در منطقه به همدستی گروه‌های مسلح اسلام سیاسی - که همه آن‌ها از دل جنبش اخوان‌المسلمین برآمده‌اند - وابسته‌اند. امروز در شماری از کشورها، گروه‌های داعش، طالبان، النصرت، "بوکوحرام" و دیگران، به‌منزله پیاده‌نظام امپریالیسم، وظیفه انجام کارهای پست و به‌وجود آوردن وحشت و ویرانگری را برعهده دارند. همین نیروها با پراکندن ترور و وحشت در آفریقا، صلح و ثبات این قاره را تهدید می‌کنند. دولت سودان در این زمینه نقش ویژه‌ای را به‌عهده گرفته است. جدا از این حقیقت که این دولت مرزهای کشور را برای میزبانی و آموزش دادن به همه گونه گروه‌های تروریست اسلامی گشوده است و گذرنامه و اسناد مسافرت برای آن‌ها فراهم می‌کند، سودان به تخته‌پرسی در آفریقا برای جنبش اخوان‌المسلمین نیز تبدیل

کمک‌های مالی رسیده

به‌یاد شهید رحمان هاتقی از تورنتو ۱۰۰ دلار
کمک از یکی از رفقای قدیمی ۵۰۰ کرون

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

۱. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany آدرس‌های پستی:
۲. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org آدرس‌های اینترنتی و "ای-میل"
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 976
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

29 June 2015

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۲۳۶۲۹۷۲۷

حساب بانکی ما:

نام حساب: Iran e.V.
بانک: Berliner Sparkasse
کد بانک: 100 500 00
شماره حساب: 790020580
IBAN: DE35 1005 0000
0790 0205 80
BIC: BELADEBEXXX